

تفسیر سوره

لور



سیمای سوره‌ی نور

این سوره شصت و چهار آیه دارد و در مدینه نازل شده است.

علت نامگذاری این سوره به «نور»، آیه‌ی سی و پنج است که در آن خداوند به عنوان نور آسمان‌ها و زمین معرفی شده است.

از آنجاکه در این سوره سفارش‌های بسیار در مورد رعایت عفت و پاکدامنی توسط عموم مؤمنان و خصوصاً زنان صورت گرفته، در روایات نسبت به آموزش و قرائت این سوره توسط زنان تأکیدات بسیار آمده است.

احکام مجازات مردان و زنان زناکار و کسانی که به زنان پاکدامن تهمت زنا بزنند، همچنین ماجرای معروف «افک»، حکم حجاب و رعایت پاکدامنی برای جلوگیری از انحرافات، موضوعاتی است که این سوره به آنها می‌پردازد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

﴿۱﴾ سُورَةُ أَنْزَلْنَا وَفَرَضْنَا وَأَنْزَلْنَا فِيهَا ءَايَاتٍ بَيِّنَاتٍ
لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ

(این) سوره‌ای است که آن را نازل کردیم و (عمل به) آن را واجب نمودیم و در آن آیاتی روشن فرستادیم. باشد تا شما متذکر شوید.

نکته‌ها:

■ در این آیه سه نشانه از عظمت سوره نور آمده است:

الف: کلمه‌ی «سوره» در اول آن نشانه‌ی عظمت است.

ب: تنوین کلمه «سوره» که برای عظمت است.

ج: کلمه‌ی «انزلنا» دوبار در یک آیه مطرح شده است.

پیام‌ها:

۱- کلمه‌ی «سوره» یک نامگذاری از طرف خداوند برای مجموعه آیاتی از قرآن است. **﴿سوره... انزلنا فيها آيات﴾**

۲- احکام باید به دستور خداوند واجب شود. **﴿فرضناها﴾**

۳- قرآن، قانون اساسی و آیین‌نامه‌ی الزامی و اجرایی دین است. **﴿فرضناها﴾**

۴- قرآن، کتابی است که آیات آن، روشن و قابل فهم است. **﴿فيها آيات بينات﴾**
(گرچه درک قسمتی از آیاتش نیازمند دقّت و تحقیق و تفسیر است)

۵- انسان به پند و تذکر نیازمند است. **﴿لعلكم تذكرون﴾**

٦- معارف قرآن در فطرت انسان ریشه دارد و با تذکر پرده‌ی غفلت برداشته می‌شود. «تذکرون»

﴿٢﴾ الْزَّانِيَةُ وَالْزَّانِي فَاجْلِدُو أَكُلَّ وَحِدِّ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذُكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِإِلَهِ وَأَلْيَوْمِ الْآخِرِ وَلْيَشْهُدْ عَذَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ

هر یک از زن و مرد زناکار را صد تازیانه بزنید. و اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید در اجرای دین خدا نسبت به آن دو گرفتار دلسوزی نشوید و باید هنگام کیفر آن دو، گروهی از مؤمنین حاضر و ناظر باشند.

نکته‌ها:

■ احکام زنا بر اساس شرایط افراد متفاوت است، در این آیه فقط به یک صورت اشاره شده که اگر مرد یا زن مجردی زنا کند، صد تازیانه می‌خورد، ولی اگر کسی با داشتن همسر، مرتکب زنا شود، رجم و سنگسار می‌گردد. چنانکه اگر همسر دارد ولی به او دسترسی ندارد (مثالاً همسرش در زندان است)، و در این صورت مرتکب زنا شود، حکم سنگسار به تازیانه و شلاق تبدیل می‌شود.

■ قرآن، زنا را کاری زشت می‌داند و از آن نهی می‌کند. «و لاتقربوا الزّنا»^(۱) ترک زنا را نشانه‌ی بندگان راستین خداوند می‌شمرد. «و عباد الرحمن... و لا يزnon»^(۲) و دوری از این گناه را شرط بیعت با پیامبر می‌داند. «اذا جائك ... و لا يزني»^(۳)

مفاسد زنا در روایات

■ برخی از مفاسد زنا، در یکی از سخنان حضرت رضا علیه السلام عنوان شده، از جمله:

- ۱- ارتکاب قتل به وسیله‌ی سقط جنین.
- ۲- بر هم خوردن نظام خانوادگی و خویشاوندی.

۳. ممتحنه، ۱۲.

۲. فرقان، ۶۳ - ۶۸.

۱. اسراء، ۳۲.

۳- ترک تربیت فرزندان.

۴- از بین رفتن موازین ارث.^(۱)

* علی ﷺ ترک زنا را مایه‌ی استحکام خانواده و ترک لواط را عامل حفظ نسل می‌داند.^(۲)

* پیامبر اکرم ﷺ فرمود: زنا دارای زیان‌های دنیوی و آخری است:

اما در دنیا: از بین رفتن نورانیت و زیبایی انسان، مرگ زودرس و قطع روزی.

اما در آخرت: درماندگی، هنگام حساب قیامت؛ غضب الهی و جهنم همیشگی.^(۳)

* از پیامبر ﷺ نقل شده است: هر گاه زنا زیاد شود، مرگ ناگهانی هم زیاد می‌شود.^(۴)

* زنا نکنید، تا همسران شما نیز به زنا آلود نشوند. هر که به ناموس دیگران تجاوز کند، به

ناموسش تجاوز خواهد شد. همان گونه که با دیگران رفتار کنید، با شما رفتار خواهد شد.^(۵)

گندم از گندم بروید جو ز جو
از مكافات عمل غافل مشو

* چهار چیز است که هر یکی از آنها در هر خانه‌ای باشد آن خانه، ویرانه است و برکت ندارد:

۱- خیانت. ۲- دزدی. ۳- شرابخواری. ۴- زنا.^(۶)

* زنا، از بزرگ‌ترین گناهان کبیره است.^(۷)

* امام صادق ﷺ فرمود: هر گاه مردم مرتکب چهار گناه شوند، به چهار بلا گرفتار شوند:

۱- زمانی که زنا رواج یابد، زلزله خواهد آمد.

۲- هر گاه مردم زکات نپردازند، چهار پایان به هلاکت می‌رسند.

۳- هرگاه قضاویت مسئولان قضایی، ظالمانه باشد، باران نخواهد بارید.

۴- زمانی که پیمان شکنی شود، مشرکان بر مسلمانان غلبه خواهند کرد.^(۸)

پیام‌ها:

۱- آزادی جنسی و روابط نامشروع، ممنوع است. «الزّانية... فاجلدوا...»

۱. بحار، ج ۷۹، ص ۲۴۰.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۲۵۲.

۳. بحار، ج ۷۷، ص ۵۸.

۴. بحار، ج ۷۳، ص ۳۷۲.

۵. بحار، ج ۷۶، ص ۲۷.

۶. بحار، ج ۷۶، ص ۱۹.

۷. بحار، ج ۷۶، ص ۲۱.

۸. بحار، ج ۷۶، ص ۱۹.

- ۲- نقش زنان در ایجاد روابط نامشروع و فراهم آوردن مقدمات زنا، از مردان بیشتر است، بر خلاف دزدی که نقش مردان بیشتر است. به همین دلیل کلمه زانیه قبل از کلمه زانی آمده است. **﴿الرَّانِيَةُ وَالرَّانِي﴾**
- ۳- تنبیه بدنش مجرم، برای تأدیب او و حفظ عفت عمومی لازم است. **﴿فَاجْلِدُوهَا﴾**
- ۴- در روابط نامشروع هر دو طرف به یک میزان تنبیه می‌شوند. **﴿كُلُّ وَاحِدٍ﴾**
- ۵- حدود کیفر باید از طرف خداوند معین شود. **﴿مَاهُ جَلْدَهُ﴾**
- ۶- در مجازات مجرمین، ترحم و تحت تأثیر عواطف قرار گرفتن، ممنوع است.
﴿لَا تَأْخُذُكُمْ بِهِمَا رَأْفَةً﴾
- ۷- محبت و رافت باید در مدار شرع باشد. **﴿لَا تَأْخُذُكُمْ بِهِمَا رَأْفَةً﴾**
- ۸- دین، تنها نماز و روزه نیست؛ حدود الهی نیز از ارکان دین است. **﴿فِي دِينِ اللَّهِ﴾**
- ۹- صلابت و قاطعیت در اجرای قوانین، در سایه‌ی ایمان به مبدأ و معاد به دست می‌آید. **﴿إِنْ كُنْتُمْ تَوْمَنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ﴾**
- ۱۰- اجرای حدود نشانه‌ی ایمان به خدادست. **﴿إِنْ كُنْتُمْ تَؤْمَنُونَ﴾**
- ۱۱- مجازات باید به گونه‌ای باشد، که مایه عبرت دیگران شود. **﴿وَلِيَشْهَدُ عَذَابَهُمَا﴾**
- ۱۲- زناکار، علاوه بر شلاق و شکنجه‌ی جسمی، از نظر روحی نیز باید زجر ببینند. **﴿وَلِيَشْهَدُ عَذَابَهُمَا طَائِفَةً...﴾**
- ۱۳- حضور مردم، اهرمی است برای کنترل قاضی و مجری. **﴿وَلِيَشْهَدُ طَائِفَةً﴾**
- ۱۴- از حضور مؤمنان در صحنه، برای نهی از منکر استفاده کنیم. **﴿وَلِيَشْهَدُ﴾**
- ۱۵- تنها مسلمانان حق حضور در مراسم اجرای حد الهی را دارند. **﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾**
- ﴿٣﴾ **الرَّانِيَ لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالرَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانِ أَوْ مُشْرِكٌ وَحُرْمَ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ**

مرد زناکار، جز بازن زناکار یا مشرک ازدواج نکند. وزن زناکار جز مرد زناکار یا مشرک را به همسری نگیرد. و این زناشویی بر مؤمنان حرام است.

نکته‌ها:

- این آیه، حال و هوای آیه‌ی «الخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ» را دارد که در آیه ۲۶ همین سوره می‌آید..
- علاوه بر تنبیه جسمی با شلاق و تنبیه روحی و اجتماعی، بدلیل حضور مردم به هنگام اجرای حد، باید محدودیت‌های دیگری نیز برای زناکار باشد.
- در روایات آمده است که حکم این آیه در باره‌ی کسانی است که به زنا شهرت دارند. و اگر زناکاری توبه کرد می‌تواند مانند دیگران با فرد دلخواهش ازدواج کند.^(۱)
- امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند زناکار را در برابر مؤمن نام برد و این نشان می‌دهد که زناکار مؤمن نیست.^(۲)

پیام‌ها:

- ۱- در ازدواج مسأله‌ی کفو بودن، یک اصل است. (زنان و مردان ناپاک، لایق همسران پاک نیستند). «الرَّافِعُ لَا يُنْكحُ إِلَّا زَانِي»
- ۲- افراد فاسد، در جامعه‌ی اسلامی مطرودند. «لَا يُنْكحُ إِلَّا...»
- ۳- زناکار در کنار مشرک قرار گرفته است. «زانیه او مشرکة»
- ۴- مردان و زنان مؤمن، باید همسران پاک و پاکدامن انتخاب کنند. «حرم ذلك على المؤمنين»

﴿٤﴾ وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةٍ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثُمَّ إِنَّمَا جَلْدَهُ وَلَا تَقْبِلُوا لَهُمْ شَهَدَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَسِقُونَ

و کسانی که نسبت زنا به زنان پاکدامن و شوهردار می‌دهند و چهار شاهد نمی‌آورند، پس هشتاد تازیانه به آنان بزنید و گواهی آنان را هرگز نپذیرید که آنان همان افراد فاسقند.

۱. تفسیر المیزان ؛ کافی، ج ۵، ص ۳۵۴.

۲. کافی، ج ۲، ص ۳۲.

نکته‌ها:

■ از امام صادق علیه السلام پرسیدند: چرا برای اثبات قتل دو شاهد لازم است، ولی برای اثبات زنا چهار شاهد؟ حضرت فرمود: شاهد قتل، برای تنبیه یک نفر شهادت می‌دهد، اما شاهد زنا برای کیفر دو نفر (زن و مرد زناکار) گواهی می‌دهد.^(۱)

پیام‌ها:

- ۱- تهمت، به منزله‌ی پرتاب تیر و هجوم به آبروی مردم است. «يرمون»
- ۲- تهمت زدن به زنان همسردار و پاکدامن، کیفر سخت‌تری دارد «المحصنات»
- ۳- دفاع از حریم زنان پاکدامن واجب است. «يرمون المحصنات... فاجلدوهم»
- ۴- از میان تهمت‌های گوناگون، تهمت زنا حدّ و قانون معین دارد و قرآن با صراحة بر آن تکیه کرده است. «ثمانین جلدۀ»
- ۵- تهمت به قدری مهم است که در مجازات مجرم، فاصله‌ی تهمت زنا با خود زنا بیست ضربه شلاق است. «مائة جلدۀ - ثمانین جلدۀ»
- ۶- کسی که حتی یک بار به دیگران تهمت بزند شهادتش اعتبار ندارد. «لا تقبلوا لهم شهادة ابداً» (آری، زبان، انسان را مطروح دنیا و آخرت می‌کند)
- ۷- برای حفظ آبروی مردم، گاهی افراد متعددی شلاق می‌خورند. «فاجلدوهم»
- ۸- گواهی کافر، بعد از ایمان پذیرفته می‌شود، ولی گواهی مسلمان تهمت زنده هرگز پذیرفته نمی‌شود. «ابداً»
- ۹- تهمت، هم عقوبت بدنی دارد، «فاجلدوهم» هم اجتماعی، «لا تقبلوا لهم شهادة ابداً» و هم اخروی. «اوئنك هم الفاسقون»
- ۱۰- کسانی که به زنان پاکدامن تهمت می‌زنند، سرآمد فاسقانند. «هم الفاسقون»
- ۱۱- شرط گواه و شاهد بودن، عدالت است و گواهی فاسق قبول نیست. «لا تقبلوا لهم شهادة... هم الفاسقون»

۱. تفسیر کمنزالدقائق.

﴿٥﴾ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

مگر کسانی که پس از آن (تهمت زدن) توبه کنند و در مقام اصلاح و جبران برآیند، که قطعاً خداوند آمرزند و مهربان است.

نکته‌ها:

- در حدیث می‌خوانیم: توبه کسی که آبروی زنان پاکدامن را با تهمت زنا برده، این است که در محضر مردم گفته خود را تکذیب نماید.^(۱)

پیام‌ها:

- ۱- توبه، سبب تجدید حیات دینی و اجتماعی است. «الاَّلَّذِينَ تَابُوا وَاصْلَحُوا»
- ۲- پیروان اسلام هرگز به بن بست نمی‌رسند. «الاَّلَّذِينَ تَابُوا»
- ۳- توبه، باید با اصلاح و جبران اشتباه و عمل نیک همراه باشد. «تَابُوا وَاصْلَحُوا»
- ۴- نامیدی ممنوع است. «إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ»
- ۵- باز بودن راه توبه برای همه، نشانه‌ی رحمت الهی است. «رَّحِيمٌ»

﴿٦﴾ وَالَّذِينَ يَرْمُونَ أَزْوَجَهُمْ وَلَمْ يَكُنْ لَّهُمْ شُهَدَاءُ إِلَّا أَنفُسُهُمْ فَشَهَدَةُ /
أَحَدِهِمْ أَرْبَعُ شَهَدَاتٍ إِلَّا إِنَّهُ لَمِنَ الْمُصَدِّقِينَ

و کسانی که به همسران خود نسبت زنا می‌دهند، و جز خودشان شاهدی ندارند، هر یک از آنان برای اثبات ادعای خود باید چهار مرتبه به خدا سوگند یاد کند که قطعاً از راستگویان است.

﴿٧﴾ وَالْخَمِسَةُ أَنَّ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ

و در پنجمین بار بگوید: لعنت خدا بر او اگر از دروغگویان باشد!

﴿۸﴾ وَيَدْرُوْا عَنْهَا الْعَذَابَ أَنْ تَشْهَدَ أَرْبَعَ شَهِيدَتِ بِاللّٰهِ إِنَّهُ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ

و عذاب (سنگسار) را از زن دفع می کند اینکه زن (در مقام دفاع) چهار بار به خدا قسم بخورد که قطعاً آن مرد (در این نسبتی که به من می دهد) از دروغگویان است.

﴿۹﴾ وَالْخَمِسَةَ أَنَّ غَضَبَ اللّٰهِ عَلَيْهَا إِنْ كَانَ مِنَ الصَّادِقِينَ

و در مرتبه پنجم بگوید: غضب خدا بر او باد اگر آن مرد از راستگویان باشد.

﴿۱۰﴾ وَلَوْلَا فَضْلُ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللّٰهَ تَوَّابُ حَكِيمٌ

و اگر فضل و رحمت خداوند بر شما نبود (رسوا می شدید و نظام خانوادگی شما مختل می شد) قطعاً خداوند توبه پذیر و حکیم است.

نکته ها:

■ وقتی آیه‌ی چهارم این سوره نازل شد و حکم نسبت دادن زنا به زنان پاکدامن را بیان کرد «سعد بن عباده» (یکی از انصار) گفت: یا رسول الله! اگر مردی وارد خانه شد و فاسقی را در کنار همسر خود دید چه کند؟ اگر فریاد بزند، شلاق می خورد، چون یک نفر است و شاهد هم ندارد. اگر سکوت کند، غیرتش اجازه نمی دهد. اگر به دنبال یافتن شاهد برود، کار زنا تمام می شود. به هر حال آیه‌ی مربوط به هشتاد ضربه شلاق، برای سعد مسأله‌ی پیچیده‌ای شده بود. در این میان شخصی به نام «هلال بن امیه» با اضطراب وارد شد و به پیامبر ﷺ عرض کرد: زنم را با مردی در حال زنا دیدم، به خدا سوگند راست می‌گویم.

پیامبر ﷺ ناراحت شد. اصحاب آن حضرت نیز هیجان زده شدند که این مرد، هم ناموسش را در چنین حالی دیده است و هم شلاق خواهد خورد، زیرا شاهدی ندارد تا سخن خود را ثابت کند. ناگهان این آیه نازل شد «وَالَّذِينَ يَرْمُونَ ...» که اگر مردی به همسرش نسبت زنا داد و شاهدی نداشت، به جای آوردن چهار شاهد، چهار بار بگوید: «أُشْهِدُ بِاللّٰهِ إِنِّي مِنَ الصَّادِقِينَ» خدا راگواه می‌گیرم که من از راستگویانم. و برای تحکیم و تثبیت ادعای خود

یک بار هم این جمله را بگوید: «لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَىٰ أَنْ كَنْتُ مِنَ الْكَاذِبِينَ» لعنت خدا بر من اگر از دروغگویان باشم.

زن نیز همچون مرد حق دارد از خود دفاع کند، زیرا ممکن است مردی با چهار سوگند دروغ، همسر خود را به سنگسار شدن محکوم کند و برای همیشه آبروی او و بستگانش را ببرد. اسلام که حامی حقوق همگان است برای پیشگیری از وقوع این کار، به زن نیز اجازه داده است تا برای اثبات پاکدامنی خود و نجات از سنگسار شدن، چهار بار سوگند یاد کند و چنین بگوید: «أُشْهِدُ بِاللَّهِ أَنِّي لَمْ يَكُنْ كَاذِبٌ» خدا را گواه می‌گیرم که همسرم از دروغگویان است. و برای محکم کاری بیشتر بگوید: «غَضِيبُ اللَّهِ عَلَىٰ إِنْ كَانَ مِنَ الصَّادِقِينَ» قهر و غضب خدا بر من اگر همسرم از راستگویان باشد.

در پنجمین جمله‌ی مرد «لعنت خدا» بود و در پنجمین جمله‌ی زن، «غضب خدا» که از لعنت شدیدتر است، زیرا حساسیت کسی که مورد تهمت قرار گرفته است بیشتر است و برای نجات از سنگسار شدن حاضر است غضب خدا را تحمل کند.

به هر حال در محضر قاضی و حاکم اسلامی این ده جمله (پنج جمله از مرد و پنج جمله از زن) گفته می‌شود که در اصطلاح به این کار، «لعان» (یکدیگر را لعن کردن) می‌گویند. در این مورد مسائل فقهی و حقوقی خاصی مطرح است. قاضی و حاکم اسلامی باید زن و شوهر را موعظه نماید و سعی کند لعان واقع نشود و در صورت لزوم اجرا، آن دو را به مکان‌های مقدس مانند «مسجدالحرام» و «مسجدالتبی» و یا مسجد دیگری ببرد و رو به قبله بنشاند، آن گاه مراسم لعان انجام گیرد.

■ با اجرای لعان و سوگند خوردن زن و شوهر و گفتن جمله‌های ذکر شده، اسلام قوانینی را در نظر گرفته است که باید به آنها عمل شود:

۱- زن و مرد، بدون صیغه‌ی طلاق، برای همیشه از یکدیگر جدا می‌شوند و حق مراجعه و ازدواج مجدد ندارند.

۲- مرد هشتاد ضربه شلاق نمی‌خورد و زن سنگسار نمی‌شود.

۳- اگر فرزندی از آن زن متولد شود متعلق به خود اوست نه مرد.

■ از این چند آیه استفاده می‌شود که قرار دادن چهار شاهد یا چهار سوگند آن هم با لunt و غصب برای اثبات زنا، نشانه‌ی آن است که خداوند با فضل و رحمت خود از طریق اینگونه احکام مانع رسوایی شده و گرنه هر روز هزاران مرد و زن یکدیگر را رسوا و قبیله‌ها و فامیل‌ها را به تباہی می‌کشانند.

آری، دفاع زن از شخصیت و آبروی خود و نجات او از سنگسار شدن با گفتن چند جمله، نشانه‌ی فضل الهی است و اگر چنین نبود بسیاری از افراد سنگسار می‌شدند، و آبروهایی بر باد می‌رفت و خانواده‌هایی متلاشی می‌شد. «ولولا فضل الله»

پیام‌ها:

- ۱- آبرو و حفظ آن در اسلام مورد توجّه است. «أربع شهادات بالله» (قانون چهار سوگند و یک لunt برای کنترل مردم از رسوا کردن یکدیگر است)
- ۲- در خصوص همسر، چهار سوگند و یک لunt، به جای چهار شاهد پذیرفته است. «إِنْ لَمْ يَكُنْ لَّهُ شَهِيداً... فَشَهَادَةُ أَحَدِهِمْ أَرْبَعٌ شَهِادَاتٍ»
- ۳- اسلام، حامی حقوق زن است. زن نیز با چهار سوگند می‌تواند اتهامی را که مرد با چهار سوگند اثبات کرده، از خود دفع کند. «أربع شهادات... أربع شهادات»
- ۴- اسلام برای پیشگیری از فرو پاشی نظام خانواده، علاوه بر چهار بار خدرا گواه گرفتن، گفتن جمله‌ی پنجمی را نیز بر هر یک از طرفین واجب کرده است. «والخامسة»
- ۵- با سوگند زن راه سوء استفاده مردها بسته می‌شود «و يدرؤا عنها العذاب»
- ۶- نفرین در شرایطی جایز است. «غضب الله عليه»
- ۷- سود اجرای قوانین و دستورات خداوند برای خود مردم است. «ولولا فضل الله عليكم»
- ۸- عذر پذیری خداوند همیشه با مصلحت و حکمت همراه است. «تَوَّبُ حَكِيمٌ»
- ۹- قوانین کیفری اسلام، احکامی سنجیده و برخاسته از حکمت الهی است. «حَكِيمٌ»

﴿١١﴾ إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْأَفْكَرِ عُصْبَةٌ مِّنْكُمْ لَا تَحْسِبُوهُ شَرّاً لَّكُمْ بَلْ هُوَ
خَيْرٌ لَّكُمْ لِكُلِّ أَمْرٍ إِنَّهُمْ مَا أَكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِي تَوَلَّ كُبْرَاهُ
مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ

قطعان کسانی که آن دروغ بزرگ را (در میان) آوردند، گروهی متشكل از خود شما بودند. آن را برای خود شر نپندازید، بلکه آن (در نهایت) به نفع شماست. هر کدام از آنان بدان اندازه از گناه که مرتكب شده است، به کیفر رسد و برای کسی که بخش بزرگ گناه را بر عهده گرفته عذاب بزرگی است.

نکته‌ها:

■ کلمه‌ی «افک» در لغت به معنای انصراف از حق به باطل است. تهمت زدن نیز نوعی پوشاندن حق و جلوه دادن باطل است.

■ برخی مفسران درباره‌ی شأن نزول این آیه گفته‌اند: پیامبر اکرم ﷺ در هر سفری با قید قرعه یکی از همسرانش را همراه خود می‌برد. در جنگ «بنی مصطلق» عایشه را برد. وقتی که نبرد پایان یافت و مردم به مدینه باز می‌گشتند، عایشه برای تطهیر و یا یافتن دانه‌های گردنیبند گمشده‌اش از قافله عقب ماند. یکی از اصحاب که او نیز از قافله دور مانده بود، عایشه را به لشکر رساند. بعضی افراد به عایشه و آن صحابی، تهمت ناروا زند. این اتهام به گوش مردم رسید، پیامبر ناراحت شد و عایشه به خانه‌ی پدر رفت و گریه‌ها کرد تا آن که این آیه نازل شد.^(۱)

■ جمعی دیگر از مفسران و مخصوصاً نویسنده تفسیر «اطیب‌البيان» با استفاده از روایات متعدد و مستند نقل می‌کنند که این آیه درباره‌ی «ماریه قبطیه» (یکی دیگر از همسران رسول خدا) است، که خداوند به او فرزندی به نام «ابراهیم» داد ولی پس از ۱۸ ماه از دنیا رفت. عایشه و حفصه گفتند: ای رسول خدا! چرا گریه می‌کنی؟ ابراهیم فرزند تو نبود، بلکه شخص دیگری غیر از تو با ماریه همبستر شده و ابراهیم متولد شده است. خلیفه اول و دوم

۱. تفسیر ابن‌کثیر.

نیز سخن دخترانشان را تأیید کردند و اینجا بود که این آیه نازل شد.

■ علامه جعفر مرتضی در کتاب گرانقدرش (حدیث الافک) می‌گوید: شأن نزول آیه درباره‌ی ماریه‌ی قبطیه است. و اصل ماجرا تهمتی ناروا بود، زیرا مردی که به همبستر شدن با ماریه متهم شده بود هیچ‌گونه آلت مردی نداشت، و این زمانی روشن شد که پیامبر اکرم ﷺ حضرت علی ؑ را برای تحقیق به سوی آن مرد فرستاد، او با دیدن علی ؑ فرار کرد و بالای درختی رفت. همین که روی درخت، جان خود را در خطر دید پایین آمد و در آن حال لباسش کنار رفت و بدنش نمایان شد و روشن شد که او آلت مردی ندارد. علی ؑ ماجرا را به پیامبر اکرم ﷺ گفت و در اینجا بود که این آیه نازل شد و عایشه، حفصه و شیخین شرمنده شدند و پاکدامنی آن بانوی محترمه ثابت شد.

گفتنی است که در مورد هر دو شأن نزول سؤالاتی مطرح است ولی هدف ما در این تفسیر، پیام‌گیری از متن آیات است و درباره‌ی شأن نزولها بحث گسترهای نداریم.

■ در گناه افک چندین گناه نهفته است: دروغ، سوءظن به مؤمن، ایذاء مؤمن، قذف، اهانت، آزدین پیامبر ﷺ، تضعیف خاندان رسالت و شایعه‌پردازی.

پیام‌ها:

- ۱- برخی از اصحاب رسول الله ﷺ عادل نبودند. « جاءو بالافق »
- ۲- گاهی شایعه‌سازان، با سازماندهی قبلی و قصد توطئه، شایعه را القا می‌کنند.
- ۳- شایعه سازان در میان خود شما هستند. « منکم »
- ۴- گاهی در پیش آمدّها و تهمت‌های ناروا منافعی وجود دارد. (مانند روشن شدن چهره‌ی مخالفان، پیدا شدن هوشیاری، امدادهای الهی برای مظلوم) « لاتحیبوه شرّا لكم »
- ۵- امید دادن به خودی‌ها در برابر توطئه و تهمت بدخواهان لازم است. « بل هو خير لكم »
- ۶- کیفرهای الهی، عادلانه و متناسب با اعمال ماست. « لکلّ أمري منهم ما أكتسب »

- ٧- در گناهان دسته جمعی، هر یک از شرکا به مقدار سهم خود مجرم است. «لکلْ امرِی مِنْهُمْ مَا اکتَسَبَ مِنَ الْاثْمِ»
- ٨- انسان زمانی مجرم و مقصّر است که با علم و قصد گناه کند. «إِكْتَسَبَ مِنَ الْاثْمِ»
- ٩- پیامد گناه هر کس گربیان‌گیر خود است. «لکلْ أَمْرِی مِنْهُمْ مَا اکتَسَبَ مِنَ الْاثْمِ»
- ١٠- مجازات کسی که مسئولیت و نقش اصلی را دارد بزر تراست. «وَالَّذِي تَوَلَّ كِبَرَهُ... عَذَابٌ عَظِيمٌ»

﴿١٢﴾ لَوْلَا إِنْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنفُسِهِمْ حَيْرًا وَ
قَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ

چرا زمانی که تهمت را شنیدید، مردان و زنان با ایمان نسبت به خویش
گمان خوب نبردند و نگفتند که این تهمت بزرگ و آشکار است؟

نکته‌ها:

- خداوند در این آیه، مسلمانان را به خاطر بدگمانی به همسر پیامبر و آسیب‌پذیری آنان در برابر شایعات، توبیخ می‌کند.
 - قرآن گاهی به جای کلمه‌ی «دیگران» کلمه‌ی «شما» را به کار برده است تا به مسلمانان بگوید همه‌ی شما یکی هستید. مثلاً به جای این که بگوید: به دیگران نیش و طعنه نزنید می‌فرماید: «لَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ»^(۱) به خودتان نیش نزنید. و به جای این که بگوید: وقتی که وارد خانه‌ای شدید به دیگران سلام کنید، می‌فرماید: «فَسَلِّمُوا عَلَى أَنفُسِكُمْ»^(۲) به خودتان سلام کنید.
- در این آیه نیز به جای این که بگوید: به دیگران حسن ظن داشته باشید می‌فرماید: «بِأَنفُسِهِمْ حَيْرًا» به خودتان حسن ظن داشته باشید.

□ در قرآن کریم، کلمه‌ی «لولا» در موارد متعددی برای انتقاد و توبیخ به کار رفته است که در اینجا چند مورد را می‌آوریم:

۱- «لولا يَنْهَا هُمُ الرَّبَّانِيُّونَ»^(۱) چرا علما نهی از منکر نمی‌کنند؟!

۲- «لولا أذْ سَعْتُمُوهُ»^(۲) چرا هر شنیده‌ای را می‌پذیرید؟!

۳- «لولا جاءَوا عَلَيْهِ بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءِ»^(۳) چرا برای سخن ناروای خود چهار شاهد نمی‌آورند؟

۴- «لولا تَسْتَغْفِرُونَ»^(۴) چرا از خدا آمرزش نمی‌خواهید؟

۵- «فَلَوْلَا أَذْجَاءُهُمْ بِأَسْنَا تَضَرُّعًا»^(۵) چرا زمانی که عذاب ما به آنان رسید، تضرع نکردند؟

۶- «فَلَوْلَا تَشْكُرُونَ»^(۶) چرا شکرگزار نیستید؟

۷- «فَلَوْلَا تَصْدِقُونَ»^(۷) چرا تصدیق نمی‌کنید؟

۸- «فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ»^(۸) چرا عبرت نمی‌گیرید؟

۹- «فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرَقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ»^(۹) چرا از هر فرقه‌ای دسته‌ای کوچ نمی‌کنند تا در دین آگاهی پیدا کنند؟

پیام‌ها:

۱- دامن زدن به شایعه و پخش آن، ممنوع است. («لولا» نشانه‌ی توبیخ از سوءظن و پخش شایعات است)

۲- در جامعه‌ی اسلامی باید روحیه‌ی حسن ظن حاکم باشد. «ظَنُّ الْمُؤْمِنِ وَ الْمُؤْمَنَاتِ بِأَنفُسِهِمْ خَيْرًا» (حسن ظن، یکی از آثار ایمان است).

۳- همه‌ی مردم در برابر آبروی یک «فرد» مسئولند. «الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمَنَاتِ»

۴- بنی آدم اعضای یکدیگرند. تهمت به هر عضوی از جامعه‌ی اسلامی، همانند تهمت به دیگر اعضاست. «بِأَنفُسِهِمْ خَيْرًا»

۱. نور، ۱۳

۲. نور، ۱۲

۳. مائدہ، ۶۳

۴. نمل، ۴۶

۵. انعام، ۴۳

۶. واقعه، ۷۰

۷. واقعه، ۶۲

۷. توبیه، ۱۲۲

۸. واقعه، ۵۷

۵- اصل اوّلیه در عمل مسلمان، صحت است، مگر جرم او با دلیل ثابت شود.
 «طَنِ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنفُسِهِمْ خَيْرًا»

۶- حفظ حریم پیامبر ﷺ و خانواده‌اش بر هر مؤمنی واجب است. «لولا...
 قالوا هذا إفک مبین»

۷- در برابر شنیده‌های ناروا در مورد مؤمنان، سکوت ممنوع است. «لولا... قالوا
 هذا إفک مبین»

﴿١٣﴾ لَوْلَا جَاءُ وَعَلَيْهِ بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءِ فَإِذْ لَمْ يَأْتُوا بِالشُّهَدَاءِ فَأُولَئِكَ عِنْدَ اللَّهِ هُمُ الْكَاذِبُونَ

چرا چهار شاهد بر صحت آن تهمت نیاوردند؟ پس چون گواهان لازم را
 نیاوردند، آنان نزد خدا همان دروغگویانند.

پیام‌ها:

- ۱- جامعه‌ی ساده‌دل، زودباور و یاوه‌گو، توبیخ می‌شود. «لولا جاء و عليه باربعه»
- ۲- اتهام زنا اگر ثابت نشود، نسبت دهنده‌ی آن دروغگو است. «هم الکاذبون»

﴿١٤﴾ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ لَمَسَّكُمْ فِي مَا أَفْضَلْتُمْ فِيهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ

و اگر فضل و رحمت الهی در دنیا و آخرت بر شما نبود، به سزای آن
 سخنان که می‌گفتید، قطعاً عذابی بزرگ به شما می‌رسید.

نکته‌ها:

▣ کلمه‌ی «أَفْضَلْتُمْ» از «إِفَاضَة» در موردی به کار می‌رود که در مسئله‌ای بسیار گفتوگو شود و
 همه را به خود مشغول سازد و این نشان می‌دهد که تهمت به همسر پیامبر مسئله‌ی روز
 شده و همه در آن غرق و به آن مشغول بودند.

پیام‌ها:

- ۱- انسان خوش‌باور و بی‌مبالات در معرض پذیرش تهمت‌ها، توطئه‌ها و عذابی سخت است. «و لولا... لمسکم عذاب عظیم»
- ۲- امّت اسلامی تحت حمایت و لطف خداست. «و لولا فضل الله...»
- ۳- هیچ کس از خداداطبی ندارد. رحمت و لطف او از فضل اوست نه از استحقاق ما. «فضل الله عليكم و رحمته»
- ۴- شایعات به منزله‌ی گردابی است که برخی در آن غرق می‌شوند. «أَفَضَّلُمْ فِيهِ»

﴿۱۵﴾ إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِالْسِّنَّتِكُمْ وَتَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَ تَحْسِبُونَهُ هَيْنَا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ

آنگاه که از زبان یکدیگر (تهمت را) می‌گرفتید و با آنکه علم نداشتید دهان به دهان می‌گفتید و این را ساده و کوچک می‌پنداشتید در حالی که آن نزد خدا بزرگ است.

نکته‌ها:

- زبان، تنها عضوی است که در طول عمر انسان، از حرف زدن، نه درد می‌گیرد و نه خسته می‌شود. شکل و اندازه‌ی آن کوچک اما جرم و گناه آن بزرگ است. چه بسیارند انسان‌های کافری که با گفتن یک جمله (شهادت به یگانگی خداوند) مسلمان و پاک می‌شوند و یا مسلمانانی که با گفتن کفر به خدا، یا انکار احکام دین، کافر و نحس می‌شوند. زبان از یک سو می‌تواند با راستگویی، ذکر و دعا و نصیحت دیگران، صفا بیافریند و از سوی دیگر قادر است با نیش زدن به این و آن، کدورت ایجاد کند. زبان کلید عقل و چراغ علم و ساده‌ترین و ارزان‌ترین وسیله‌ی انتقال تمام علوم و تجربیات است.
- علمای اخلاق درباره‌ی زبان کتابها و مطالب بسیاری نوشته‌اند.

پیام‌ها:

- ۱- پذیرش آنچه بر سر زبان‌هایست، بدون تحقیق محکوم است. «تلقونه بالسنتکم»

۲- سخن باید بر اساس علم باشد. «تَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ»

۳- آبروی مردم را ساده ننگریم. «وَتَحْسِبُونَهُ هَيَّاً»

۴- نقل تهمت‌ها و شایعات از گناهان کبیره است. «وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ»

۵- کوچکی یا بزرگی گناه را باید خداوند تعین کند. «عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ»

۶- همه‌ی اصحاب پیامبر اکرم عادل نبودند، بلکه گروهی از آنان مرتکب گناه بزر (تهمت به همسر پیامبر) شدند. «تَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ... وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ»

۷- همه‌ی محاسبات انسان واقع بینانه نیست. «تَحْسِبُونَهُ هَيَّاً وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ»

﴿۱۶﴾ وَلَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَتَكَلَّمْ بِهَذَا سُبْحَانَكَ

هَذَا بُهْتَنُ عَظِيمٌ

چرا هنگامی که (آن تهمت را) شنیدید، نگفتید: ما را نرسد که در این تهمت بی دلیل

(از پیش خود) حرفی بزنیم (پروردگارا) تو منزه‌ی این بھتانی بزرگ است.

نکته‌ها:

- بزرگی و کوچکی گناه، گاهی به خاطر متعلقات و آثار آن است و گاهی به خاطر انجام‌دهنده‌ی آن.
- در سه آیه پی‌درپی کلمه‌ی عظیم آمده است؛ یک بار «عذاب عظیم» و دو بار (با دو بیان) «بھتان عظیم» تا بگوید گناه بزرگ کیفر بزرگ دارد.
- سخن ناروا نسبت به مردم سبب بُهت آنان می‌شود، لذا به آن «بُهتان» گفته می‌شود.

پیام‌ها:

- ۱- نهی از منکر واجب است. «وَلَوْلَا اذْ سَمِعْتُمُوهُ» (سخن گفتن برای دفاع از آبروی مسلمان واجب است)
- ۲- انسان در برابر شنیده‌ها، مسئول است. «لَوْلَا اذْ سَمِعْتُمُوهُ»
- ۳- هنگام برخورد با مسائل مهم سبحان الله بگویید. «سُبْحَانَكَ»

۴- تمام دنیا متع قلیل است، ولی بهتان به مسلمان نزد خداوند عظیم است.
﴿بَهْتَانٌ عَظِيمٌ﴾

﴿۱۷﴾ يَعِظُكُمْ اللَّهُ أَن تَعُودُوا لِمِثْلِهِ أَبَدًا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

خداوند شما را موعظه می‌کند که اگر ایمان دارید هرگز امثال این تهمت‌ها را تکرار نکنید.

﴿۱۸﴾ وَيُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ أَلَّا يَتَ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

خداوند برای شما آیات خود را بیان می‌کند و او دانا و حکیم است.

پیام‌ها:

- ۱- مردم به موعظه نیاز دارند. **﴿يَعِظُكُمْ اللَّهُ﴾**
- ۲- واعظ اصلی خداست. **﴿يَعِظُكُمْ اللَّهُ﴾**
- ۳- ایمان شرط تأثیر موعظه است. **﴿يَعِظُكُمْ اللَّهُ ... إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾**
- ۴- موعظه باید در مسیر حفظ آبروی مردم و جلوگیری از سوء ظن باشد. **﴿يَعِظُكُمْ اللَّهُ أَن تَعُودُوا لِمِثْلِهِ﴾**
- ۵- دامن زدن به سوء ظن و افترا، سبب محو ایمان است. **﴿يَعِظُكُمْ... إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾**
- ۶- پشیمانی کافی نیست، گناه را هم نباید تکرار کرد. **﴿تَعُودُوا لِمِثْلِهِ﴾**
- ۷- تکرار نکردن تخلف، نشانه ایمان است. **﴿تَعُودُوا لِمِثْلِهِ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾**
- ۸- تهمت نزنید و عمل مسلمان را حمل بر صحّت کنید. **﴿أَن تَعُودُوا لِمِثْلِهِ﴾**
- ۹- گناهکاران را به توبه از گناه موعظه کنید. **﴿يَعِظُكُمْ اللَّهُ أَن تَعُودُوا لِمِثْلِهِ﴾**
- ۱۰- سرچشمہ دستورات اسلام، علم و حکمت الهی است. **﴿عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾**
- ۱۱- مقتضای علم و حکمت الهی بیان آیات برای مردم و رها نکردن آن‌هاست.
﴿وَيُبَيِّنُ اللَّهُ... عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾

﴿١٩﴾ إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَن تَشِيعَ الْفَحْشَةَ فِي الَّذِينَ ءَامَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَنَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

همانا برای کسانی که دوست دارد زشتی ها درباره ایمان شایع گردد، در دنیا و آخرت عذاب دردناکی است، و خداوند می داند و شما نمی دانید.

نکته ها:

- علاقه به اشاعه فحشا، گاهی با زبان و قلم است و گاهی با ایجاد مراکز فحشا و تشویق دیگران به گناه و قرار دادن امکانات گناه در اختیار آنان.
- امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که آن چه را درباره می مؤمنی ببیند یا بشنود، برای دیگران بازگو کند، جزء مصادیق این آیه است.^(۱)
- در حدیث می خوانیم: کسی که کار زشتی را شایع کند مانند کسی است که آن را مرتکب شده است.^(۲)

پیام ها:

- ۱- ما در برابر علاقه های قلبی خود مسئولیم. «يُحِبُّونَ... لَهُمْ عَذَابٌ»
- ۲- علاقه به گناه، مقدمه ی گناه است. در راه نهی از منکر، علاقه به منکر را محظوظ نمی کنیم. «يُحِبُّونَ...»
- ۳- در میان گناهان، تنها گناهی که حتی دوست داشتن آن، گناه کبیره است، تهمت است. «يُحِبُّونَ... عَذَابُ الْيَمِّ»
- ۴- علاقه به ریختن آبروی دیگران، در همین دنیا کیفر دارد. «فِي الدُّنْيَا»
- ۵- کسانی که دنبال بی آبرو کردن دیگران هستند، نظام اسلامی باید آنها را تنبیه کند. «عَذَابُ الْيَمِّ فِي الدُّنْيَا»
- ۶- ما عمق فاجعه‌ی تهمت را نمی دانیم. «وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»

۱. تفسیر کنز الدقائق. ۲. تفسیر کنز الدقائق.

۷- چه بسا سرچشمه‌ی برخی از عذاب‌های دنیوی که نصیب ما می‌شود، علاقه‌ی ما به بی‌آبرو کردن دیگران است. «وَإِنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»

۸- اگر علاقه‌ی به شیوع فحشا این همه خطر دارد، خود اشاعه‌ی فحشا چه کیفری خواهد داشت؟ «يَحْبُّونَ...»

﴿۲۰﴾ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ

و اگر فضل و رحمت الهی بر شما نبود و این که خداوند رئوف و مهربان است (شما را سخت کیفر می‌داد).

﴿۲۱﴾ يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَبَعُوا حُطُوطَ الشَّيْطَنِ وَمَنْ يَتَّبِعُ
حُطُوطَ الشَّيْطَنِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَوْلَا فَضْلُ
اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَنِي مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُرَكِّزُ
مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! گام‌های شیطان را پیروی نکنید و هر کس پیرو گام‌های شیطان شود پس به درستی که او به فحشا و منکر فرمان می‌دهد و اگر فضل و رحمت خداوند بر شما نبود، هرگز هیچ یک از شما پاک نمی‌شد ولی خداوند هر کس را بخواهد پاک می‌سازد و خداوند شنوا و داناست.

نکته‌ها:

- در آیات ۱۴، ۲۰ و ۲۱ سه بار سخن از فضل و رحمت خداوند آمده است تا بگوید اگر فضل او نبود، وضع شما چگونه بود!
- «خطوات» جمع «خطوة» به معنای گام است و قرآن در مسئله‌ی شهوت، تغذیه و تهمت، کلمه‌ی «خطوات شیطان» را به کار برده است تا بگوید شیطان گام به گام انسان را به بعضی گناهان و ادار می‌کند.
- در قرآن چند مرتبه از «خطوات الشیطان» سخن به میان آمده است؛ در مورد اتحاد و

وحدت کلمه داشتن می‌فرماید: «أُدْخِلُوا فِي الْسِّلْمِ كَافَّةً وَ لَا تَتَّبَعُوا حُطُوطَاتٍ»^(۱) و در مصرف غذا می‌فرماید: «كُلُوا مَا فِي الارض حلالاً طيباً و لَا تَتَّبَعُوا حُطُوطَاتٍ»^(۲) از چیزهای حلال و دلپسند بخورید و مواطن گام‌های شیطان باشید و از آن پیروی نکنید. و در این آیه نیز پیرامون اشاعه‌ی فحشا نسبت به مؤمنین می‌فرماید: از گام‌های شیطان پیروی نکنید. نمونه پیروی از گام‌های شیطان عبارت است از: دوستی با افراد فاسد، بعد شرکت در مجالس آنان، سپس فکر گناه، بعد ارتکاب گناهان کوچک، پس از آن گناهان بزرگ و در پایان قساوت قلب و بدعاقبتی و پایانی شوم.

پیام‌ها:

- ۱- به ایمان خود تکیه نکنیم، توجه به هشدارهای پی در پی لازم است. «يَا إِيَّاهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبَعُوا»
- ۲- شیطان برای گمراه کردن مؤمنان، بیش از دیگران تلاش می‌کند. «يَا إِيَّاهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبَعُوا حُطُوطَاتٍ»
- ۳- سیاست شیطان نفوذ تدریجی و گام به گام است. «خطوات» (از همان گام اول مواطن باشیم).
- ۴- انسان به ناچار باید راهی را طی کند و گامی را بردارد، مهم انتخاب راه مستقیم و دوری از گام‌های شیطان است. «خطوات»
- ۵- اشاعه‌ی فحشا، از گام‌های شیطانی است. (با توجه به آیه قبل)
- ۶- با مردم مستدل سخن بگوییم، خداوند می‌فرماید: از شیطان پیروی نکنید، (دلیل آن را نیز ذکر می‌کند): زیرا او به گناه فرمان می‌دهد. «فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بالفَحْشَاءِ...»
- ۷- شیطان به کسی فرمان می‌دهد که اهل پیروی از او باشد. «وَ مَن يَتَّبِعُ حُطُوطَاتٍ... فَإِنَّهُ يَأْمُرُ...»

۸- کار شیطان، با اثر نماز در تضاد است. شیطان به انسان دستور گناه می‌دهد.

﴿فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ﴾ اما نماز انسان را از گناه باز می‌دارد. «آن الصلوة تنهی عن الفحشاء و المنكر...»^(۱)

۹- تزکیه، بدون توفیق الهی امکان ندارد. «ولولا ... ما زَكِيٌّ ...»

۱۰- انسان در هر لحظه به لطف خداوند نیاز دارد. (تکرار جمله «لولا فضل الله» در این آیه و آیات قبل)

۱۱- در مسیر انسان، فریب و فحشا وجود دارد، ولی راه توبه و نجات نیز باز است. «و لولا فضل الله»

۱۲- حتی اولیای خدا به توفیق الهی نیاز دارند. «ما زَكِيٌّ منكم من أحد»

۱۳- خداوند حکیم، به مقدار آمادگی و لیاقت و ظرفیت افراد خیر و سعادت نازل می‌کند. «من يشاء»

۱۴- علم به اینکه خداوند همه چیز را می‌بیند و می‌شنود، بهترین عامل بازدارنده از فحشا و منکرات است. «والله سمیع علیم»

﴿۲۲﴾ وَلَا يَأْتِلُ أُولُوا الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةُ أَنْ يُؤْتُوا أُولَى الْقُرْبَى وَ الْمَسَكِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَيَعْفُوا وَلَيَصْفَحُوا
أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

صاحبان مال و وسعت از شما نباید سوگند بخورند که به نزدیکان و مستمندان و مهاجران در راه خدا چیزی ندهند، بلکه باید عفو و گذشت نمایند و از آنان درگذرند. آیا دوست ندارید که خداوند شما را ببخشد؟ و خداوند آمرزند و مهربان است.

نکته‌ها:

- ▣ کلمه‌ی «یأَتِل» از ریشه‌ی «آَلُو» به معنای کوتاهی کردن و یا از ریشه‌ی «آلی» به معنای سوگند یاد کردن است. همانند «ایلاء» در مباحث فقهی.^(۱) «عفو» به معنای بخشیدن است و «صفح» به معنای نادیده گرفتن که مرحله‌ی بالاتر از عفو است. بعضی گفته‌اند که «صفح» آن عفوی است که در آن ملامت نباشد.
- ▣ در آیات قبل از کسانی که تهمت زندگی شد انتقاد شد، بعضی از اصحاب سوگند یاد کردند که به این افراد تهمت زن هرگز انفاق نکنند، این آیه می‌فرماید: بخاطر لغزش‌های قبل، محرومان را بی‌نصیب نگذارید. (شأن نزول)

پیام‌ها:

- ۱- مرفهین در برابر محرومان مسئول هستند. «وَ لَا يَأْتِلُ ...»
- ۲- مهم‌تر از انفاق، استمرار آن و خسته نشدن از آن و کوتاهی نکردن در آن است.
«وَ لَا يَأْتِلُ»
- ۳- در کمک، هم از وسعت مالی و هم از امکانات دیگر خود استفاده کنید. «أولوا
الفضل ... والسعنة»
- ۴- در کمک کردن، بستگان اولویت دارند. «أولى الْقُرْبَى»
- ۵- در پیمودن مراحل تکامل، بلند همت باشید و به حداقل رشد اکتفا نکنید. ابتدا کلمه‌ی «عفو» آمده، بعد مرحله‌ی بالاتر «صفح» آمده است. «وَ لَيُعْفُوا وَ لَيَصْفُحُوا»
- ۶- کسی که دیگران را ببخشد به بخشش الهی نزدیکتر است. (عفو و گذشت وسیله‌ی جلب معرفت الهی است) «إِلَّا تُحْبِّبُونَ أَن يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ»
- ۷- هدف از عفو و گذشت کسب معرفت خدا باشد نه چیز دیگر. «إِلَّا تُحْبِّبُونَ أَن
يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ»
- ۸- در شیوه‌ی تبلیغ، از احساسات و عواطف مردم کمک بگیریم. «إِلَّا تُحْبِّبُونَ»

۹- رهبران دینی باید مردم را به انفاق و عفو تشویق کنند. (تمام آیه)

﴿۲۳﴾ إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لَعِنْوًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

همانا کسانی که به زنان پاکدامن و بی خبر (از هرگونه آلودگی) و با ایمان نسبت بد می دهند، در دنیا و آخرت از رحمت الهی دورند و برایشان عذاب بزرگی است.

نکته ها:

- با اینکه در قرآن گروههای کافران، پیمان شکنان، قاتلان، طرفداران طاغوت، منافقان، مفسدان، مشرکان، مستکبران، ظالمان، کتمان کنندگان حق و دروغگویان مورد لعنت قرار گرفته‌اند ولی لعنت دنیا و آخرت همراه با عذاب عظیم تنها مخصوص کسانی است که آبروی افراد پاک را می‌برند.
- امام صادق علیه السلام این آیه را گواه بر آن دانستند که نسبت ناروا به زنان پاکدامن و عفیف از گناهان کبیره است.^(۱)

پیام ها:

- ۱- آسیب‌پذیری زن بیشتر است، باید به افراد آسیب‌رسان هشدار داد. **﴿يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ﴾**
- ۲- کسی که پاک تر است تهمت به او خطربناکتر است. **﴿الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ﴾**
- ۳- بی خبری از فساد و مراکز فساد و افراد فاسد، برای زن ارزش است. **﴿الْغَافِلَاتِ﴾**
- ۴- تهمت، علاوه بر عذاب آخرت در دنیا نیز کیفر دارد. **﴿لَعِنْوًا فِي الدُّنْيَا﴾** (لعنت در دنیا، با اجرای حد و ردگواهی او به عنوان فاسق است).
- ۵- حمایت از حقوق زن، از برنامه‌های قرآنی است. **﴿يَرْمُونَ... لَعِنْوًا﴾**

۱. بحار، ج ۷۶، ص ۹.

﴿٢٤﴾ يَوْمَ تَشَهُّدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

روزی که زبان‌ها و دست‌ها و پاها ایشان علیه آنان به آنچه انجام داده‌اند
گواهی می‌دهند.

نکته‌ها:

- مسأله‌ی گواهی دادن اعضای بدن بارها در قرآن مطرح شده است. در سوره‌ی فصلت می‌خوانیم: «حقّ اذا ما جاءوها شهد عليهم سمعهم و ابصارهم و جلوههم بما كانوا يعملون»^(۱) هنگامی که به دوزخ رسند، گوش و چشم و پوست بدن آنان به گناهانی که انجام داده‌اند، گواهی دهن. و در سوره‌ی می‌خوانیم: «الْيَوْمَ تَخْتَمُ عَلَى أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشَهُّدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»^(۲) در آن روز بر دهان کافران مهر خموشی زنیم و دست‌هایشان با ما سخن گویند و پاها ایشان به آنچه کرده‌اند گواهی دهن.
- چون در شهادت باید علیه دیگری گواهی داد، پس معلوم می‌شود جوهر و شخصیت انسان غیراز اعضای اوست که علیه او شهادت می‌دهند. زیرا شاهد و مشهود باید از هم جدا باشند.
- امام باقر علیه السلام فرمود: این گواهی اعضای بدن علیه مؤمن نیست، بلکه علیه کسی است که عذاب او حتمی شده باشد.^(۳)

پیام‌ها:

- ۱- در قیامت، تهمت زندگان به زنان پاک‌دامن محکوم خواهند شد. «یَرْمَوْنَ الْمُحْصَنَاتِ... تَشَهِّدُ...»
- ۲- در دادگاه قیامت، انسان مالک اعضای خود نیست. «تَشَهُّدُ عَلَيْهِمْ»
- ۳- گواهی دادن، به علم و شعور و حافظه و صداقت نیاز دارد بنابراین اعضای بدن از این مزایا برخوردارند، گرچه ما نفهمیم. «تَشَهُّدُ عَلَيْهِمْ»
- ۴- در قیامت بر تمامی گفتار و رفتار گواهی می‌شود. «بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»

۱. فصلت، ۲۰. ۲. یس، ۶۵.

۳. تفسیر نور الشقیقین؛ کافی، ج ۲، ص ۳۲.

﴿۲۵﴾ يَوْمَئِذٍ يُوَفِّيهِمُ اللَّهُ دِينَهُمُ الْحَقُّ وَ يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ

در آن روز، خداوند جزای حق آنان را بی کم و کاست خواهد داد و آنان خواهند دانست که خداوند همان حقیقت آشکار است.

نکته‌ها:

▣ کلمه‌ی «دین» در آیه، یا به معنای جزاست و یا به معنای شریعت. بنابراین معنای آیه یا آن است که در قیامت خداوند جزای مردم را کاملاً می‌دهد و یا آنکه شریعت حقه در آن روز عرضه خواهد شد و همه‌ی مكتب سازان خیالی خواهند فهمید که خداوند همان معبد واقعی بر حق و روشن است.^(۱)

▣ در دنیا بخاطر محدودیت‌هایی که هست کیفر کامل داده نمی‌شود. مثلاً اگر خلبانی شهری را بمباران کرد و هزاران نفر را کشت، ما در دنیا چگونه او را کیفر کنیم، اما در قیامت محدودیت نیست و مجرم بارها در دوزخ سوخته و دوباره زنده می‌شود.

پیام‌ها:

۱- تنها در قیامت است که کیفرها بطور کامل داده می‌شود. ﴿يَوْمَئِذٍ يُوَفِّيهِمُ﴾

۲- کیفرهای الهی در قیامت بر اساس شهادت و گواهی و حق است. ﴿تَشَهَّدُ عَلَيْهِمْ... يُوَفِّهِمُ اللَّهُ﴾

۳- خداوند از کیفر و پاداش کسی نمی‌کاهد. ﴿يُوَفِّهِمُ﴾

۴- در قیامت، وقتی پرده‌های غفلت، غرور، جهل، تبلیغات کاذب و هوسها کنار می‌روند، مردم حقیقت را می‌فهمند. ﴿وَ يَعْلَمُونَ﴾

۱. تفسیر المیزان.

﴿۲۶﴾ **الْخَيْثَتِ لِلْخَيْثِينَ وَالْخَيْثُونَ لِلْخَيْثَاتِ وَالظَّيْبَتِ
لِلظَّيْبِينَ وَالظَّيْبُونَ لِلظَّيْبَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ
مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ**

زنان پلید سزاوار مردان پلیدند و مردان پلید سزاوار زنان پلید، زنان پاک برای مردان پاکند و مردان پاک برای زنان پاک. آنان از آنچه درباره شان می‌گویند منزه‌اند و برای آنان مغفرت و روزی نیکویی است.

نکته‌ها:

■ این آیه یک اصل کلی را مطرح می‌کند و معناش این نیست که اگر مردی یا زنی خوب بود حتماً همسرش نیز خوب و مشمول مغفرت و رزق کریم و اهل بهشت است. زیرا قرآن ملاک را ایمان و تقوا و عمل صالح می‌داند و لذا با اینکه حضرت نوح و لوط طیب بودند همسرانشان از خبیثات و دوزخی‌اند.

■ کلمه‌ی «طیب» به معنای دلپسند و مطلوب است و در قرآن در توصیف مال، ذریه، فرزند، کلام، شهر، همسر، غذا و رزق، باد، مسکن، فرشته، درخت و تحیت آمده است و در مقابل آن کلمه‌ی «خبیث» است که آن هم برای مال، انسان، همسر، سخن، عمل و شجره به عنوان وصف مطرح شده است.

■ این آیه را چند نوع می‌توان معنا کرد:

الف: با توجه به آیات قبل که درباره‌ی تهمت به زنان پاکدامن و ماجراهی افک بود و با توجه به جمله‌ی: «مَبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ»، معنای آیه آن است که کلمات خبیث مثل تهمت و افتراء، شایسته افراد خبیث و سخنان پاک شایسته‌ی افراد پاک است.

ب: ممکن است مراد آیه بیان یک حکم شرعی باشد که ازدواج پاکان با ناپاکان ممنوع است. نظیر آیه اول همین سوره که می‌فرمود: «الزَّانِي لَا يَنكِحُ الْأَزْانِيَة» مرد زناکار جز زن زناکار را به همسری نگیرد، همان‌گونه که در روایتی امام باقر علیه السلام این معنا را تأیید می‌کند.^(۱)

۱. تفسیر مجتمع‌البيان.

ب: ممکن است مراد آیه همسوی فکری، عقیدتی، اخلاقی و به اصطلاح همشان و همکفو بودن در انتخاب همسر باشد. یعنی هر کس بطور طبیعی به سراغ همفکر خود می‌رود.
 ذرّه‌ای که در همه ارض و سماست جنس خود را همچو کاه و کهرباست
 ناریان مر ناریان را جاذبند نوریان مر نوریان را طالبد

■ در قرآن برای رزق اوصافی ذکر شده است از جمله:

«رزقاً حسناً»^(۱)، «رزقُ كريم»^(۲)، «رزَقْكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا»^(۳)، «يَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ»^(۴)، «يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ»^(۵)

پیام‌ها:

- ۱- طبع افراد پلید آن است که به سراغ پلیدی‌ها می‌روند بر عکس افراد خوب که به سراغ خوبی‌ها می‌روند. «الْخَبِيَّاتُ لِلْخَبِيَّينَ... الطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ»
- ۲- استفاده از نعمت‌ها و طبیّات، حقّ اهل ایمان است. «وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ»
- ۳- سالم ماندن نسل‌های پاک، از برنامه‌های قرآن است. «وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ»
- ۴- حمایت از پاکدامن‌ها لازم است. «أوْلَئِكَ مَبْرُؤْنَ مَمَّا يَقُولُونَ»
- ۵- معنویّات بر مادیّات مقدم است. (در قرآن هر جا جمله‌ی «رزق کریم» آمده، قبلش جمله‌ی «هم مغفرة» آمده است).

﴿۲۷﴾ يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّىٰ تَسْتَأْنِسُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ

ای کسانی که ایمان آوردید! به خانه‌هایی که منزل شما نیست پیش از آنکه اجازه بگیرید و بر اهل آن سلام کنید، وارد نشوید. این دستور به نفع شماست شاید پند گیرید.

۳. مائده، ۸۸

۲. انفال، ۴.

۱. نحل، ۶۷

۵. غافر، ۴۰

۴. طلاق، ۳

نکته‌ها:

- معنای «استیناس» اجازه خواستن و اعلام ورود است که به گفته‌ی روایات می‌تواند با ذکر خدا باشد و یا صدای پا و سلام کردن و امثال آن.^(۱)
- شخصی از پیامبر ﷺ پرسید آیا برای ورود به منزل مادرم اجازه بگیرم؟ فرمود: بله، گفت: در خانه جز او کسی نیست و جز من خادمی ندارد! حضرت فرمود: آیا دوست داری مادرت را برهنه ببینی؟ گفت نه. فرمود: پس اجازه بگیر.
- در روایتی دیگر آمده است که پیامبر ﷺ از ورود مردان به خانه زنانی که اولیای آنان حضور ندارند نهی فرمود.^(۲)
- در روایات می‌خوانیم: اجازه گرفتن سه مرتبه باشد تا اهل خانه فرصت جمع و جور کردن خود را داشته باشند. (البته اجازه گرفتن برای ورود به خانه دیگران است، ولی انسان می‌تواند سرزده به خانه خود وارد شود.) و برای نجات غریق و مظلوم و مورد آتش سوزی، اجازه لازم نیست.^(۳)
- پیامبر اکرم ﷺ هرگاه می‌خواست وارد منزلی شود، برای اجازه گرفتن، روپروری در خانه نمی‌ایستاد بلکه سمت راست یا چپ می‌ایستاد تا نگاه مبارکشان به داخل خانه نیفتاد.^(۴)

پیام‌ها:

- ۱- اهل ایمان در هر کاری باید از وحی الهی دستور بگیرند. «یا ایهَا الَّذِينَ آمَنُوا»
- ۲- امنیت و آزادی برای ساکنین خانه باید حفظ شود. «لَا تَدْخُلُوا» (وارد شدن به خانه دیگران به صورت سرزده، حرام است).
- ۳- از مواضع تهمت دوری کنید. «لَا تَدْخُلُوا... ذلِكُمْ خَيْرٌ»
- ۴- باز بودن در خانه، دلیل جواز برای ورود نیست. «لَا تَدْخُلُوا»
- ۵- مالکیت افراد محترم است. «لَا تَدْخُلُوا»

۱. تفسیر نور الشقلین.

۲. تفسیر کبیر فخر رازی.

۳. تفسیر کبیر فخر رازی.

۴. تفاسیر کبیر و فی ظلال.

- ۶- اوّلین برخوردها باید با محبت همراه باشد. «تَسْأَنِسُوا وَ تُسْلِمُوا»
- ۷- از هر کاری که در آن احتمال شکستن حریم حیا و حجاب است دوری کنید.
- ۸- در ورود به خانه دیگران، تحمیل، تکلف و احساس سنجینی ممنوع است.
(کلمه «تَسْأَنِسُوا» به جای «تَسْأَذِنُوا»، نشانه‌ی انس، صفا و صمیمیت است)
- ۹- وارد شونده باید سلام کند هر که باشد. «تَسْلِمُوا عَلَى أَهْلِهَا» آری، سلام کردن لازم نیست از کوچکترها به بزرگترها باشد.
- ۱۰- مراعات ادب و حق دیگران، سرچشممه‌ی سعادت بشر است. «ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ»
- ۱۱- دستورات الهی را فراموش نکنیم و به یاد داشته باشیم. «لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ»
- ۱۲- آداب و اخلاق دینی، همان ندای فطرت است لکن فطرت بیدار و هشیار. «تَذَكَّرُونَ»

﴿۲۸﴾ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّىٰ يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِنْ قِيلَ
لَكُمْ أْرْجِعُوهَا فَأَرْجِعُوهُ أَرْكَنِي لَكُمْ وَاللهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيهِمْ

پس اگر کسی را در خانه نیافتید، وارد آنجا نشوید تا آنکه (به نحوی) به شما اجازه‌ی ورود داده شود و اگر به شما گفته شد که برگردید، برگردید (وناراحت نشوید) این برای پاک ماندن شما بهتر است و خداوند به عملکرد شما آگاه است.

پیام‌ها:

- ۱- ورود به خانه‌ی دیگران با علم به نبود کسی در آنجا، حرام است. «فَلَا تَدْخُلُوا»
- ۲- ورود اجازه‌ی قطعی می‌خواهد، «حَتَّىٰ يُؤْذَنَ لَكُمْ» ولی برگشتن نیاز به صراحة صاحبخانه ندارد، بلکه به مجرد پیدا شدن علائم نارضایتی بازگشتن لازم است. «قِيلَ»
- ۳- ورود به خانه مردم نیاز به اذن و اجازه دارد؛ خواه اذن دهنده صاحب خانه و مالک باشد، یا مقام مجاز دیگر نظیر حاکم اسلامی. (جمله «يُؤْذَنَ» مجھول آمده تا اصل اذن را ثابت کند و نامی از اذن دهنده نیامده است)

- ۴- توقّف در کنار خانه‌ی مردم ممنوع است. «إِرْجِعُوا»
- ۵- نپذیرفتن مهمان ناخوانده جایز است. «أَرْجِعُوا»
- ۶- عذر صاحب خانه را بپذیریم. «إِرْجِعُوا» و خود را به صاحب خانه تحمیل نکنیم. «إِرْجِعُوا فَارْجِعُوا»
- ۷- صفا، صمیمیت و نداشتن توقع بیجا، از برکات اخلاق اسلامی است. «إِرْجِعُوا فَارْجِعُوا»
- ۸- راه خودسازی و تزکیه، عمل به آداب اسلامی و مراعات حقوق مردم است.
- «إِرْجِعُوا - أَزْكِي لَكُم»
- ۹- گاهی رشد انسان به این است که سر او به سنگ بخورد. «إِرْجِعُوا - أَزْكِي لَكُم» هر برگشته شکست نیست. «أَزْكِي لَكُم»
- ۱۰- ملاک در تنظیم روابط اجتماعی مردم، رشد و طهارت است. «أَزْكِي لَكُم» (اوامر و نواهی خداوند کلید رشد و طهارت است).
- ۱۱- علم خداوند به عملکرد ما رمز تشویق و تهدید ماست. «بِمَا تَعْمَلُونَ عَلَيْمٌ»

**﴿٢٩﴾ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَن تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ مَسْكُونَةٍ فِيهَا مَتَّعٌ
لَّكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا تُبْدِونَ وَمَا تَكْتُمُونَ**

بر شما گناهی نیست که به منازل غیر مسکونی که در آن متاعی دارید وارد شوید و خداوند به آنچه ظاهر و یا کتمان می‌کنید آگاه است.

نکته‌ها:

- ▣ حساب مراکز عمومی که ساکنین خاصی ندارد، مثل هتل‌ها، کاروانسراها، فروشگاه‌ها و حمام‌ها که درب آنها به روی همه باز است و مردم از رفت و آمد به آنجا بهره‌مند می‌شوند، از حساب خانه‌های شخصی جداست و برای رفتن به آن مراکز اجازه گرفتن لازم نیست.^(۱)

۱. تفسیر برهان.

پیام‌ها:

۱- رفتن به مراکز عمومی بدون داشتن هدفی سودمند، برای ولگردی و پرسه‌زدن ممنوع است. «تَدْخُلُوا بِبُيُوتٍ غَيْرِ مُسْكُونَةٍ فِيهَا مَتَاعٌ لَّكُمْ»

۲- در ورود به مراکز عمومی، خدا را در نظر بگیریم و بدانیم خداوند افکار و رفتار ما را زیر نظر دارد. «وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَبَدَّلُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ»

﴿۳۰﴾ قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغْضُبُوا مِنْ أَبْصَرِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَيْرٌ بِمَا يَضْنَعُونَ

به مردان مؤمن بگو: از بعضی نگاه‌های خود (نگاه‌های غیر مجاز) چشم‌پوشی کنند و دامن خود را حفظ نمایند. این برای پاکتر ماندن آنان بهتر است. خداوند به آنچه انجام می‌دهند آگاه است.

نکته‌ها:

■ در شأن نزول این آیه می‌خوانیم: جوانی در بین راه، زنی را دید و به او چشم دوخت و دنبال او راه افتاد. طوری غرق نگاه بود که صورتش به دیوار برخورد کرد و مجروح شد، نزد پیامبر ﷺ آمد و ماجراه خود را نقل کرد. این آیه نازل شد.^(۱)

رواياتی درباره نگاه:

* حضرت علیؑ فرمود: «لَكُمْ أَوَّلُ نَظَرَةَ إِلَى الْمَرْأَةِ فَلَا تَتَبَعُوهَا بَنَظَرَةٍ أُخْرَى وَاحذِرُوا الْفَتْنَةِ» نگاه اول مانع ندارد ولی ادامه‌ی نگاه اشکال دارد، زیرا سبب فتنه می‌شود.^(۲)

* در حدیثی می‌خوانیم: تمام چشم‌ها در قیامت گریان است مگر سه چشم؛ چشمی که از ترس خدا بگردید و چشمی که از گناه بسته شود و چشمی که در راه خدا بیدار بماند.^(۳)

* در «صحیح بخاری» می‌خوانیم که پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: جلو راه مردم ننشینید. مردم گفتند: ما ناچاریم از نشستن. فرمود: پس حق آن را ادا کنید. پرسیدند حق آن چیست؟

۱. تفسیر نمونه.

۲. تفسیر کنز الدقائق.

۳. تفسیر کنز الدقائق.

- فرمود: «غَضَّ الْبَصَرُ وَكَفَّ الْأَذْى وَرَدَ السَّلَامُ وَالاَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهِيُّ عَنِ الْمُنْكَرِ» ترک چشم چرانی و مردم آزاری، جواب دادن به سلام دیگران، امر به معروف و نهی از منکر.
- * حضرت عیسیٰ ﷺ فرمود: از نگاه به نامحرم بپرهیزید که بذر شهوت را در دل می‌نشاند و همین برای دچار شدن انسان به فتنه کافی است.^(۱)
- * حضرت علیؑ فرمود: «الْعَيْنُ رَائِدُ الْقَلْبِ» چشم، دل را بدنبال خودمی‌کشد. «الْعَيْنُ مَصَادِ الشَّيْطَانِ» چشم، قلاب شیطان است. و چشم‌پوشی بهترین راه دوری از شهوت است.^(۲)
- * پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «النَّظَرُ سَهْمٌ مَسْمُومٌ مِنْ سَهَامِ أَبْلِيسِ فَنَّ تَرَكَهَا حَوْفًا مِنَ اللَّهِ اعْطَاهُ اللَّهُ أَيْمَانًا يَجِدُ حَلَاوةً فِي قَلْبِهِ»^(۳) نگاه بد تیرهای مسموم شیطان است که هر کس از ترس خدا چشم خود را فرو بند خداوند به او ایمانی می‌دهد که از درون خویش شیرینی و مزهی آن را احساس می‌کند.
- * پیامبر اکرم ﷺ فرمود: هرکس چشم خود را از حرام پر کند، در قیامت چشم او از آتش پر خواهد شد مگر اینکه توبه کند.^(۴)
- * امام صادق ؑ دربارهٔ نگاه مجاز به زن نامحرم فرمود: «الْوَجْهُ وَالْكَفَّينُ وَالْقَدَمَيْنُ» یعنی نگاه به صورت و کف دستها و روی پاها جایز است، (لکن بدون شهوت).^(۵)

پیام‌ها:

- ۱- لازمه‌ی ایمان حفظ نگاه از حرام است. «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ... يَغْضُوا...»
- ۲- جاذبه‌های غریزی را باید کنترل کرد. «يَغْضُوا»
- ۳- گناه را از سرچشمme جلوگیری کنیم و تقوی را از چشم شروع کنیم. «مِنْ أَبْصَارِهِمْ»
- ۴- چشم پاک مقدمه‌ی پاکدامنی است. «يَغْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ»
- ۵- پوشش، برای مردان نیز واجب است. «يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ»
- ۶- چشم چرانی و بی‌عفّتی مانع رشد معنوی انسان است. «يَغْضُوا - يَحْفَظُوا - ازْكَرِيَّ»

٣. بحار، ج ١٠٤، ص ٣٨.

٢. غرر الحکم.

١. تفسیر روح البیان.

٥. تفسیر کنز الدفائق.

٤. بحار، ج ٧٦، ص ٣٣٦.

۷- چشم چرانی، در محضر خداست. (در محضر خدا معصیت نکنیم) «يغضوا... إنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ»

﴿٣١﴾ وَقُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَرِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبَدِّلِنَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِخُمْرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبَدِّلِنَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعْوَلَتِهِنَّ أَوْ إِبَآئِهِنَّ أَوْ إِعَابَاءِ بُعْوَلَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءَ بُعْوَلَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَنَهُنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَنَهُنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَتِهِنَّ أَوْ بِنَائِهِنَّ أَوْ مَلَكَتْ أَيْمَانَهُنَّ أَوْ الْتَّبِعِينَ غَيْرِ أُولَئِي الْأَرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الْطَّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهِرُوا عَلَىٰ عَوْرَتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيْهَا الْمُؤْمِنَاتُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

و به زنان با ایمان بگو: از بعضی نگاههای خود (نگاههای غیر مجاز) چشم پوشی کند و دامنهای خود را حفظ نمایند و جز آنچه (به طور طبیعی) ظاهر است، زینتهای خود را آشکار نکند و باید روسربی خود را بر گردن خود بیفکنند (تا علاوه بر سر، گردن و سینه‌ی آنان نیز پوشیده باشد) و زینت خود را ظاهر نکند جز برای شوهر خود، یا پدر خود یا پدر شوهر خود، یا پسر خود، یا پسر شوهر خود (که از همسر دیگر است) یا برادر خود، یا پسر برادر خود، یا پسرخواهر خود، یا زنان (همکیش) خود، یا آنچه را مالک شده‌اند (از کنیز و برده)، یا مردان خدمتگزار که تمایل جنسی ندارند، یا کوکانی که (به سن تمییز ترسیده و) بر امور جنسی زنان آگاه نیستند. و نیز پای خود را به گونه‌ای به زمین نکوبند که آنچه از زیور مخفی دارند آشکار شود. ای مؤمنان! همگی به سوی خدا باز گردید و به درگاه خدا توبه کنید تا رستگار شوید.

نکته‌ها:

- با اینکه خداوند در قرآن به عدد رکعت‌های نماز و طواف اشاره نکرده و بیان مقدار و نصاب زکات و بسیاری از مسائل دیگر را به عهده‌ی پیامبر اکرم ﷺ گزارده، ولی در مسائل خانوادگی و تربیتی و مفاسد اخلاقی به ریزترین مسائل پرداخته است.
- خداوند در این آیه بیست و پنج مرتبه با آوردن ضمیر مونث به زنان توجه کرده است.^(۱)
- امام صادق علیه السلام فرمود: مراد از آیه‌ی «يَغْضُضَنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظُوا فِرْجَهُنَّ» آن است که حتی زنان به عورت زنان نگاه نکنند و عورت خود را از نگاه دیگران حفظ نمایند.^(۲)
- کلمه «أربة» به معنای حاجت و نیاز است. مراد از «أولى الاربة» خدمتگزاران و ملازمانی هستند که تمایل به همسر ندارند.^(۳)
- پیامبر ﷺ در تفسیر جمله‌ی «الا لَيَعْوَلْهُنَّ» فرمود: خداوند آن دسته از زنان را که صورت و موی خود را برای شوهر آرایش نکنند و یا تقاضای شوهر را نپذیرند، لعنت کرده است.^(۴)
- توبه، گاهی پشیمانی از یک گناه فردی و گاهی برای تغییر دادن یک فرهنگ فاسد عمومی است، که آیه ظاهراً درباره‌ی نوع دوم است. زیرا در جاهلیت گردن و سینه‌ی زنان باز بود.^(۵)
- حفظ حجاب و ترک جلوه‌گری ثمرات بسیاری دارد که برخی از آنها عبارت است از: آرامش روحی، استحکام پیوند خانواده، حفظ نسل، جلوگیری از سوء قصد و تجاوز، پیشگیری از امراض مقاربتی و روانی، پائین آمدن آمار طلاق، خودکشی، فرزندان نامشروع و سقط جنین، از بین رفتن رقابت‌های منفی، حفظ شخصیت و انسانیت زن، و نجات او از چشم‌ها و دلهای هوسپازی که امروز دنیای غرب و شرق را در لجن فرو برد.
- «حُمُر» جمع «خمار» یعنی روسری و «جيوب» جمع «جيوب» به معنای گردن و سینه است.

پیام‌ها:

۱- در لزوم عفت و پاکدامنی و ترک نگاه حرام بین زن و مرد، فرقی نیست.

۳. کافی، ج ۵، ص ۲۳.

۲. تفسیر نور الشقلین.

۱. تفسیر قرطبي.

۵. تفسیر کبیر فخر رازی.

۴. تفسیر نور الشقلین.

﴿يَغْضُوا - يَغْضُضُن - يَحْفَظُوا - يَحْفَظُن﴾

۲- جلوه‌گری زنان، در جامعه ممنوع است. ﴿وَلَا يُدِينَ زَيْنَتَهُن﴾

۳- ظاهر بودن قسمت‌هایی از بدن که به طور طبیعی پیداست، (صورت، دست یا پا) مانعی ندارد. ﴿الَّا مَا ظَاهِرٌ مِنْهَا﴾

۴- در میان انواع پوشش‌ها، نام مقنعه و روسربی بزر آمده و این دلیل بر اهمیت حجاب است. ﴿خُرْهَن﴾

۵- در قانون گزاری باید به ضرورت‌ها، واقعیت‌ها و نیازها توجه شود. (اگر پوشاندن آن قسمت از بدن که خود به خود آشکار است، واجب می‌شد، زندگی برای عموم زنان مشکل بود) ﴿الَّا مَا ظَاهِرٌ مِنْهَا﴾

۶- اسلام به نیازهای فطری و غریزی بشر پاسخ مثبت می‌دهد. ﴿الَّا لِبَعْلَتَهُن﴾

۷- از برده‌گان و غلامان و افراد ملازمی که نیازی به همسر ندارند، سترا و پوشاندن واجب نیست. ﴿أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانَهُنَّ أَوْ التَّابِعُونَ غَيْرُ اولِيِ الْأَرْبَةِ﴾

۸- هرگونه راه‌رفتنی که سبب آشکار شدن زیورهای مخفی زن شود ممنوع است. ﴿وَلَا يَضْرِبُنَ بَارِجَلَهُن﴾

۹- زن، حق مالکیت دارد. ﴿مَلَكَتْ أَيْمَانَهُن﴾

۱۰- زن، زینت خود را تنها به زنان مسلمان می‌تواند نشان دهد و نزد زنان کفار باید خود را بپوشاند. ﴿نَسَائِهِن﴾ یعنی زنان خودی و مسلمان نه بیگانه.

۱۱- پوشش زن با تمایلات جنسی مردان نامحرم کاملاً ارتباط دارد، برای ﴿غَيْرِ اولِيِ الْأَرْبَةِ﴾ که میلی به همسر ندارد پوشش لازم نیست.

۱۲- حجاب و پوشش، واجب است، ﴿وَلِيَضْرِبَنَ بَخْرُهَن﴾ و هر کاری که زینت زن را آشکار کند یا دیگران را از آن آگاه کند ممنوع است. ﴿لِيَعْلَمَ مَا يُخْفِيَنَ مِنْ زَيْنَتَهُن﴾

۱۳- مقدار واجب برای پوشش سر و صورت، انداختن روسربی و مقنعه‌ای است که گردن و سینه را بپوشاند. ﴿خُرْهَنَ عَلَى جُيُوبِهِن﴾

۱۴- با حفظ حجاب، حضور زن در جامعه مانعی ندارد. ﴿وَلَا يُدِينَ زَيْنَتَهُن﴾ همان

- گونه که شرکت زن در نماز جماعت بلامانع است. «وَأَرْكَعَى مَعَ الرَّاكِعِينَ»^(۱)
- ۱۵- همه مردم نسبت به مسأله نگاه و حجاب مسئولند و برای نگاههای حرام خود باید توبه کنند. «تُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا إِيَّاهَا الْمُؤْمِنُونَ»
- ۱۶- مقتضای ایمان، توبه به درگاه خداوند است. «تُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا إِيَّاهَا الْمُؤْمِنُونَ»
- ۱۷- توبه، هم واجب است و هم کلید رستگاری است. «تُوبُوا... تَفْلِحُونَ»
- ۱۸- راه رستگاری، بازگشت از مسیرهای انحرافی به راه خداست. «تُوبُوا إِلَى اللَّهِ... تَفْلِحُونَ»

﴿٣٢﴾ وَأَنِكْحُوا أَلْيَمَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَأَللَّهُ وَسِعُ عَلِيمٌ

پسران و دختران بی‌همسر و غلامان و کنیزان شایسته‌ی (ازدواج) خود را همسر دهید. (و از فقر نترسید که) اگر تنگدست باشند، خداوند از فضل خود بی نیازشان می‌گرداند. خداوند، گشايشگر داناست. (او از فقر و نیاز شما آگاه است و بر کفايت شما و عده داده است و در عمل به وعدهاش قدرت دارد)

نکته‌ها:

- «آیامی» جمع «ایم»، یعنی کسی که همسر ندارد، خواه مرد باشد یا زن، باکره باشد یا بیوه.
- بهترین واسطه‌گری‌ها، شفاعت و واسطه‌گری در امر ازدواج است. چنانکه در روایت آمده است: کسی که دیگری را داماد یا عروس کند، در سایه‌ی عرش خداست.^(۲)
- پدر و مادری که با داشتن امکانات، فرزندشان را همسر نمی‌دهند، اگر فرزند مرتکب گناه شود، والدین در گناه او شریک هستند.^(۳)
- درباره‌ی ازدواج، روایات بسیاری آمده است که به چند مورد آن اشاره می‌کنیم:
* امام صادق علیه السلام فرمود: توسعه‌ی زندگی، در سایه‌ی ازدواج است.

۱. آل عمران، ۴۳.

۲. تفسیر نور الشبلین.

۳. تفسیر مجتمع البیان.

* کسی که از ترس فقر ازدواج نکند، به خداوند سوءظن برده است.

* دورکعت نماز کسی که همسر دارد، بهتراز هفتاد رکعت نماز کسی است که همسر ندارد.^(۱)

پیام‌ها:

۱- جامعه‌ی اسلامی، مسئول ازدواج افراد بی‌همسر است. **«وَأَنْكِحُوهَا»**

۲- ازدواج در اسلام، امری مقدس و مورد تأکید است. **«وَأَنْكِحُوهَا»**

۳- لازم نیست خواستگاری، از طرف حاصلی باشد، هر یک از طرفین ازدواج می‌توانند پیشقدم شوند. **«وَأَنْكِحُوهَا»**

۴- تنها سفارش به ترک نگاه حرام، کافی نیست، مسأله‌ی ازدواج را باید حل کنیم.
«يَغْضُّوا، يَغْضُّنَ، انْكِحُوهَا»

۵- زنان بیوه را همسر دهید. («آیامی»، شامل آنان نیز می‌شود.)

۶- داشتن صلاحیت، شرط طرفین عقد است. **«وَالصَّالِحِينَ»** (یعنی باید صلاحیت اداره زندگی مشترک را داشته باشند.)

۷- اقدام جامعه برای عروس و داماد کردن افراد صالح، تشويیقی است که جوانان لاابالی و هرزه نیز خود را در مدار صالحان قرار دهند. **«وَالصَّالِحِينَ...»** (بنا بر این که مراد از صلاحیت، صلاحیت اخلاقی و مکتبی باشد.)

۸- در تأمین نیازهای جنسی، فرقی میان انسان‌ها نیست. (زن، مرد، غلام و کنیز)
«مِنْكُمْ، عَبَادُكُمْ، امَائِكُمْ»

۹- فقر، باید مانع اقدام در امر ازدواج شود. **«إِنْ يَكُونُوا فَقَرَاءً...»**

۱۰- در صورت فقر، به ازدواج اقدام کنید و بر خدا توکل نمایید. **«يُغْنِهِمُ اللَّهُ»**

۱۱- فقر، برای عروس و داماد عیب نیست. **«إِنْ يَكُونُوا فَقَرَاءً...»**

۱۲- خداوند، تأمین زندگی عروس و داماد را وعده داده است و ازدواج، وسیله‌ی وسعت و برکت زندگی است. **«يُغْنِهِمُ اللَّهُ»**

۱. مجموعه روایات از تفسیر نورالثقلین می‌باشد.

- ۱۳- تحقّق وعده‌های الهی از سرچشمه‌ی فضل بی پایان اوست. «فضله - واسع»
- ۱۴- رشد و توسعه‌ای که خداوند نصیب بندگانش می‌فرماید، بر اساس علم و حکمت اوست. «واسع علیم»

﴿٣٣﴾ وَلَيْسْتَ عَفِيفاً الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكاحاً حَتَّىٰ يُغْنِيهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَالَّذِينَ يَبْتَغُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ أُمِّيَّاتُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا وَءَاتُوهُمْ مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي أَتَكُمْ وَلَا تُكْرِهُوْا فَتَيَّأْتِكُمْ عَلَى الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَا تَحْصِنَا لَتَبْتَغُوا عَرَضَ الْحَيَاةِ الْدُّنْيَا وَمَنْ يُكْرِهُهُنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِنْ بَعْدِ إِكْرَاهِهِنَّ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

وکسانی که وسیله‌ی ازدواج نمی‌یابد، باید پاکدامنی و عفت پیشه کند، تا آن که خداوند از کرم خویش، آنان را بینیاز نماید. و هر کدام از غلامان و کنیزان شما که خواهان بازخرید و آزادی (تدریجی) خود باشند، (یعنی مایلند با قرارداد کتبی با مالک خویش کار کرده و خود را آزاد نمایند) اگر در آنان خیر و شایستگی دیدید، تقاضای آنان را پیذیرید (و برای کمک به آزاد شدن آنان) از مالی که خدا به شما داده به آنان بدھید، و کنیزان خود را که تصمیم بر پاکدامنی دارند، به خاطر رسیدن به مال دنیا به فحشا و ادار نکنید، که هر کس آنان را به فحشا مجبور کند، البته خداوند برای آن کنیزان که به اکراه بدان کار و ادار گشته‌اند، بخشنده‌ی مهربان است.

نکته‌ها:

- ابتدا باید به توانمندان و مسئولان سفارش اقدام کرد، سپس به غیر متأهلین سفارش عفت و پاکدامنی. (آیه «وانکحوا» قبل از آیه «وليستعف» آمده است)
- علی علیلًا فرمود: در جاهلیّت مردم کنیزان را برای کسب درآمد به فحشا و ادار می‌کردند.^(۱)

۱. تفسیر درالمنشور.

■ اگر مسلمانان در جنگ پیروز شدند و اسیر گرفتند، در مورد رفتار با اُسرا یکی از این چند راه را می‌توانیم پیش بگیریم:

الف: همه‌ی اسیران را یکجا آزاد کنیم، که در این صورت، دوباره جنگ شروع می‌شود.

ب: همه را بکشیم، که این، نشانه‌ی سنگدلی مسلمانان خواهد بود.

ج: اسرا را در منطقه‌ای گرد آوریم و از بیتالمال مسلمین، مخارج آنان را تأمین کنیم. (در این طرح، باید بی گناهان هزینه‌ی مجرمان را بپردازند).

د: آنها را میان مسلمانان تقسیم کنیم تا سیره‌ی اسلام و مسلمین را مشاهده کنند و به تدریج تحت تأثیر قرار گیرند و مسلمان شوند، سپس از راههای مختلف، آنها را آزاد کنیم، که این طرح، بهترین است، و طرح اسلام نیز همین است.

بگذریم که نظام جنگ در آن زمان این بود که اسیر جنگی را به عنوان برده مورد استفاده قرار می‌دادند و اسلام نیز مقابله به مثل می‌کرد، همان گونه که امروز در دنیا اسیران را در اردوگاه‌ها قرار می‌دهند که ما نیز باید قوانین بین‌المللی جنگ را تا آنجا که منافاتی با مذهب ما نداشته باشد بپذیریم.

پیام‌ها:

۱- دسترسی نداشتن به همسر، مجوز گناه نیست، صبر و عفّت لازم است.
«ولیستَعْفَ»

۲- هر کجا احساس خطر بیشتر شد، سفارش مخصوص لازم است. «ولیستَعْفَ
الذِّينَ لَا يَجِدُونَ نَكَاحًا» (چون افراد غیر متأهل بیشتر از دیگران در معرض فحشا و منکر هستند، خداوند در فرمان به عفّت، آنان را مخاطب قرار داده است)

۳- اگر عفّت و تقوا داشته باشیم، خداوند ما را بی نیاز می‌کند. «ولیستَعْفِ... يُغْنِيهِم
اللَّهُ» (جوانان بخاطر امکانات ازدواج، به سراغ تهیّه‌ی مال از راه حرام نرنوند
و عفّت و تقوای مالی از خود نشان دهند)

۴- در حفظ عفّت و پاکدامنی عمومی، هم جوانان خود را حفظ کنند، «و
لِيَسْتَعْفَ»، هم حکومت قیام کند «وَأَنْكُحُوا الْأَيَامِ»، و هم ثروتمندان جامعه

به پاخیزند. ﴿وَآتُوهِمْ مِنْ مَالِ اللَّهِ﴾

۵- در هر قراردادی حتی با زیرستان خود، سند کتبی داشته باشید. ﴿مَا مَلَكْتُ أَيْمَانَكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ﴾

۶- آسان گرفتن ازدواج بردها از طریق قرارداد باخرید باید همراه با علم به مصلحت باشد. ﴿فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا﴾

۷- اسلام برای آزادی بردها، طرح‌های مختلفی دارد. یکی از آنها قرارداد باخرید است. ﴿فَكَاتِبُوهُمْ﴾

۸- دارایی و اموال را از خود ندانید بلکه از خداست که چند روزی امانت به شما داده است. ﴿مَالُ اللَّهِ﴾

۹- ثروتمنان در قبال ازدواج جوانان، مسئولیت بیشتری دارند. ﴿وَآتُوهِمْ مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ﴾

۱۰- اولیا به بردها که توان پرداخت بهای باخرید خود را ندارند کمک کنند. ﴿وَآتُوهِمْ مِنْ مَالِ اللَّهِ﴾ حضرت علی علیہ السلام فرمودند: یک چهارم قیمت قرارداد را رها کنند.^(۱) و امام صادق علیہ السلام فرمودند: چیزی از بهای قرارداد را کم کنند.^(۲)

۱۱- بردها در بستن قرارداد، همسنگ مالکان خود هستند. ﴿فَكَاتِبُوهُمْ﴾ در موردی است که هر دو طرف برابر هم باشند)

۱۲- از مال الهی (بودجه زکات) هم برای آزادی بردها و هم برای ازدواج جوانان هزینه کنید. ﴿وَآتُوهِمْ مِنْ مَالِ اللَّهِ﴾

۱۳- بکارگیری زیرستان در مسیر حرام و واداشتن کنیزان عفیف بر فحشا، ممنوع است. ﴿وَ لَا تَكْرُهُوا فَتَيَّاتَكُمْ عَلَى الْبِغَاءِ﴾

۱۴- دنیاطلبی، سرچشممه گناهان است. ﴿لَا تَكْرُهُوا ... عَرْضُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾

۱۵- ثروت‌اندوزی از راه‌های نامشروع جایز نیست. ﴿لَتَبَغُوا عَرْضُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾

۱. تفسیر درالمنتور.

۲. من لا يحضر، ج ۳، ص ۷۸.

٦- دنیا زودگذر است. «عرض الحیة الدّنیا» (کلمه «عرض» به معنای عارضی و زودگذر است)

٧- ارزشها نباید فدای رفاه و مال و مادیات شود. «لاتکرھوا... لتبغوا»

٨- شخصیت کنیزان مانند دختران آزاد است. («لاتکرھوا فَتیَاتکم» و نفرمود: «لاتکرھوا امائِکم»)

٩- اسلام حامی کنیزان است. «لاتکرھوا...»

١٠- پاکدامنی و عفت برای زن بهترین ارزش است. «إن أَزْدَنْ تَحْصَنَا»

١١- سرچشمہ بخشی از گناهان، بزرگترها هستند. «لاتکرھوا... أَرْدَنْ تَحْصَنَا»

١٢- افراد مجبور شده به گناه، مورد عفو قرار می‌گیرند. «فِيَانَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ اكراهِنْ غفورُ رَحِيمُ»

﴿٣٤﴾ وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ ءَايَاتٍ مُّبَيِّنَاتٍ وَمَثَلًاً مِّنَ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ

همانا ما به سوی شما آیاتی روشنگر و از کسانی که قبل از شما بودند نمونه‌های برجسته و تاریخی و پندی برای پرهیزکاران فرستادیم.

پیام‌ها:

۱- خداوند با مردم اتمام حجت می‌کند. «أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ آيَاتٍ مُّبَيِّنَاتٍ»

۲- آیات قرآن نور و روشنگر است. «آیات مُبَيِّنَاتٍ»

۳- تاریخ گذشتگان، چراغ راه آیندگان است. «مَثَلًاً مِّنَ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ»

۴- قرآن کتاب جامعی است. «آیات - مَثَلًاً - موعظة»

۵- پند پذیری دلی آماده می‌خواهد. «موعظة لِلْمُتَّقِينَ»

۶- متّقین نیز به موعظه نیازمندند. «موعظة لِلْمُتَّقِينَ»

﴿٣٥﴾ اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَوَةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ
الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةِ الْزُجَاجَةِ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرْرَى يُوقَدُ مِنْ
شَجَرَةِ مُبَرَّكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةً وَلَا غَرْبِيَّةً يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ
وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَ
يَضْرِبُ اللَّهُ أَلَّا مِثْلَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

خداوند، نور آسمان‌ها و زمین است. مثل نور او همچون چراغ‌دانی است که در آن چراغی (پر فروغ) باشد. آن چراغ در میان شیشه‌ای و آن شیشه همچون ستاره‌ای تابان و درخشان. این چراغ از روغن درخت پر برکت زیتون بر افروخته است، که نه شرقی است و نه غربی. (روغن‌ش به قدری صاف و شفاف است) که بدون تماس آتش نزدیک است (شعه‌ور شود و) روشنی دهد. نوری است بر فراز نور دیگر. هر کس را که خداوند بخواهد به نور خویش هدایت می‌کند، و خداوند برای مردم مثلها می‌زند و به هر چیزی آگاه است.

نکته‌ها:

■ «مشکاة» یعنی چراغ‌دان. «درّی» به معنای پر نور و پر فروغ است. «زیت» روغن زیتون را گویند. (ماده‌ای که وسیله‌ی روشنایی است)

■ «نور» یعنی چیزی که هم خودش روشن است و هم سبب روشنی اشیای دیگر است. در فرهنگ اسلام از چند چیز به عنوان «نور» یاد شده است، از جمله: قرآن، حدیث، علم، عقل، ایمان، هدایت، اسلام، پیامبر ﷺ و امامان معصوم ع.

■ حضرت علی علیہ السلام فرمود: چیزی را ندیدم مگر آن که خدا را قبل از آن و بعد از آن و همراه با آن دیدم. «ما رأيْتُ شَيْئاً إِلَّا وَ رَأيْتَ اللَّهَ قَبْلَهُ وَ بَعْدَهُ وَ مَعْهُ»

به صحراء بنگرم صحراء تو بینم به دریا بنگرم دریا تو بینم

به هر جا بنگرم کوه و در و دشت نشان از قامت رعنا تو بینم

■ «الله نور السموات» یعنی: خداوند هدایت کننده‌ی آسمان و زمین است. در میان تمام

اقوالی که برای «نور» گفته شده است، از قبیل روشنگر، زینت بخش و هادی، معنای هدایت بهتر به نظر می‌آید، چون هدایت آفرینش، در آیات دیگر نیز آمده است. «أَعْطِيَ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَىٰ» و جمله‌ی «نُورٌ عَلَى نُورٍ» به معنای هدایت‌های دائمی و پی در پی است و در پایان آیه نیز می‌فرماید: «يَهْدِي اللَّهُ لِنُورٍ»

پیام‌ها:

- ١- هستی، فیض خداوند و پرتوی از نور اوست، قوام و بقای هستی از اوست.
«اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ...»
- ٢- نور خدا هم زیاد است و هم ثابت. (شیشه، هم نور را زیاد می‌کند و هم نور را از خاموش شدن حفظ می‌کند). «الْمَصَابِحُ فِي زُجَاجَةٍ»
- ٣- روشنی نور خدا از ذات اوست نه از جرقه‌های بیرونی. «يَكَادُ زَيْثُهَا يَضِيءُ وَ لَوْ لَمْ تَسْسِسْ نَارًا»
- ٤- زیتون درخت مبارکی است. «شَجَرَةٌ مُبَارَكَةٌ زَيْتُونَةٌ»
- ٥- اگر درخت زیتون در وسط باغ باشد، که در تمام روز آفتاب بخورد، روغنش بهتر می‌شود، ولی اگر در اطراف باغ و مزرعه بود، یا در وقت صبح آفتاب دارد یا عصر. «زَيْتُونَةٌ لَا شَرْقِيَّةٌ وَ لَا غَرْبِيَّةٌ»

**﴿٣٦﴾ فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَن تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا أَسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا
بِالْغُدُوِّ وَالْأَصَالِ**

(این نور هدایت) در خانه‌هایی است که خداوند اذن داده رفت یابند و نام او در آنها ذکر شود و در آنها بامدادان و شامگاهان او را تسبیح گویند.

نکته‌ها:

- در زیارت جامعه خطاب به ائمه شیعه علیهم السلام می‌خوانیم: «جَعَلْكُمْ فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَن تُرْفَعَ...» بنابراین حرم امامان معصوم علیهم السلام، یکی از مصادیق «فی بیوت» است.

- کلمه‌ی «ترفع» در آیه به معنای بلندی مکانی نیز می‌باشد، نظیر آیه‌ی «اَذْ يَرْفَعُ ابْرَاهِيمَ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَ اسْمَاعِيلَ»^(۱) یعنی حضرت ابراهیم پايه‌های کعبه را بلند ساخت.
- امام باقر علیه السلام فرمود: آن خانه‌ها، خانه‌های انبیا و حکماً و امامان معصوم می‌باشد.^(۲) و «علبی» در تفسیر خود نقل می‌کند: روزی پیامبر اکرم علیه السلام مشغول تلاوت این آیه بود. ابوبکر برخاست و پرسید: آیا خانه‌ی فاطمه علیه السلام و علی علیه السلام از مصاديق این آیه است؟ فرمود: آری، از بهترین مصاديق این آیه است.^(۳)
- امام کاظم علیه السلام فرمود: مراد از «بِالْغَدُوِّ وَ الْأَصَالِ» در آیه، نمازهای اول وقت است.^(۴)
- در فرهنگ قرآن، در موارد متعددی به جای نماز، تسبیح آمده است. «وَسَبِّحْ بِالْعَشَّيِّ وَالْأَبْكَارِ»^(۵)، «وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلَ الْغُرُوبِ»^(۶)

پیام‌ها:

- ۱- راهیابی به نور خدا در هر کجا نیست، بلکه در مکان‌ها و از راههای خاصی است. «الله نور... فی بیوٰت...»
- ۲- بلند ساختن مساجد و کانون‌های عبادت مانعی ندارد. «أَذْنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ»
- ۳- مکان‌ها یکسان نیستند و بعضی از آنها، بر بعضی دیگر برتری دارند. «فی بیوٰت أَذْنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ»
- ۴- توجه به نور هدایت خداوند با رفت و آمد به مساجد به دست می‌آید. «الله نور... يَهْدِي اللَّهُ لَنُورٍ... فی بیوٰت...»
- ۵- مساجد باید از هر جهت از خانه‌های دیگر بهتر و برتر باشند. «أَنْ تُرْفَعَ»
- ۶- بزرگی و عظمت، مخصوص خدا و مواردی است که او اجازه می‌دهد. «أَذْنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ»
- ۷- اصل در استفاده از مساجد، ذکر خداست، نه مراسم دیگر. «يُذْكُرُ فِيهَا أَسْمَهُ»

۱. بقره، ۱۲۷.

۲. تفسیر نور الشقین.

۳. تفسیر روح المعانی.

۴. ق، ۳۹.

۵. آل عمران، ۴۱.

۶. بحار، ج ۲۳، ص ۳۲۶.

٨- درهای مسجد باید در اوقات نماز باشد و کسی حق ندارد آن را بیندد.
 ﴿يَسِّعْ لِهِ فِيهَا الْعُدُوُّ وَالآصَال﴾

٩- تسبیح خداوند، باید هر صبح و شام تکرار شود. ﴿يَسِّعْ... الْعُدُوُّ وَالآصَال﴾
 (عنصر زمان و مکان در عبادت مؤثر است).

﴿رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةً وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكُوْنِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَرُ﴾

مردانی که هیچ تجارت و معامله‌ای آنان را از یاد خدا و برپاداشتن نماز و پرداخت زکات، سرگرم و مشغول نمی‌کند، از روزی که در آن، دلها و چشم‌ها دگرگون می‌شود بیمناکند.

نکته‌ها:

- «تجارت» داد و ستد دائمی است که برای به دست آوردن سود انجام می‌گیرد، ولی «بیع» خرید و فروش مقطعي و دفعی برای رفع نیازهای روزمزه زندگی است.^(۱)
- کلمه‌ی «رجال» در این جا شامل همه‌ی بندگان خدا می‌شود، چه مرد و چه زن.
- در حدیث می‌خوانیم: مراد از کسانی که در این آیه از آنها یاد شده است، تجاری هستند که با شنیدن صدای اذان، تجارت را رها می‌کنند و به سوی نماز می‌روند.^(۲)
- تجارت، تنها عاملی نیست که انسان را سرگرم می‌کند و از یاد خدا باز می‌دارد، عوامل دیگری نیز در قرآن کریم ذکر شده است، از جمله: تکاثر، آرزو، فرزند و دوست بد.

پیام‌ها:

- ١- کسانی که تجارت آنان را غافل نکند، مردان بزرگی هستند. (کلمه «رجال» با تنوین آمده که علامت بزرگی و عظمت است)
- ٢- تلاش و اقتصاد منهای یاد خدا، پوچ و بی‌ارزش است. («لَا تُلْهِيهِم» به جای

١. تفسیر المیزان.

٢. تفسیر نور الشفیعین.

- «لَا تَنْعِمُهُمْ» بیانگر آن است که اگر به تجارت سرگرم و از نماز غافل شدی کار تو لهو، پوچ و بی ارزش است.)
- ۳- تجارت و اقتصاد، لغزشگاه بزرگی است. «لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةً»
- ۴- اگر ایمان و اراده‌ی قوی باشد، ابزار و وسائل اثربار ندارند. «رَجُالٌ لَا تُلْهِيهِمْ»
- ۵- بازار اسلامی هنگام نماز، باید تعطیل شود. «رَجُالٌ لَا تُلْهِيهِمْ...»
- ۶- از نظر اسلام، حتی کارهای حلال و مباح باید انسان را از یاد خدا غافل کند، چه رسد به کارهای مکروه و حرام. «لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةً»
- ۷- ترک تجارت، ارزش نیست، بلکه تجارت همراه با یاد خدا و نماز و زکات ارزش است. «لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةً... عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ...» (مردان خدا برای زندگی مادی خود تلاش می‌کنند، ولی از آخرت غافل نیستند.)
- ۸- ایمان به آخرت، دنیا را نزد انسان کوچک می‌کند. «لَا تُلْهِيهِمْ... يَخَافُونَ يَوْمًاً»
- ۹- با این که نماز ذکر خداست، ولی به خاطر اهمیت آن در کنار ذکر الله جداگانه مطرح شده است. «ذَكْرُ اللَّهِ وَ إِقَامُ الصَّلَاةِ»
- ۱۰- نماز و زکات عدل یکدیگرند و تاجرانی استحقاق ستایش دارند که اهل هر دو باشند. «أَقَامُ الصَّلَاةَ وَ اِيَّاتِ الرِّزْكَةِ»
- ۱۱- دنیا، شما را از آخرت غافل نکند. «يَخَافُونَ يَوْمًاً»
- ۱۲- در قیامت، چشم‌ها گاهی تیز و گاهی خاشع و دلها منقلب است. «تَنَقَّلَ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ» قیامت صحنه‌های هولناک و هراس‌آوری دارد. «يَخَافُونَ...»
- ۱۳- در قیامت، معیارها عوض می‌شود. (آنچه در دنیا در دیده‌ها و دل‌ها جلوه می‌کند، در آخرت به شکل دیگری درمی‌آید. آنچه امروز به سوی آن می‌رویم، فردا از آن فرار خواهیم کرد). «تَنَقَّلَ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ»

﴿٣٨﴾ لِيَجْزِيَهُمْ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ
مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ

تا خداوند به آنان به نیکوتر از آنچه کرده‌اند پاداش بدهد و از فضل و رحمت خویش بر پاداششان بیفزاید و خداوند هر کس را بخواهد بدون حساب روزی می‌دهد.

پیام‌ها:

- ۱- خداوند کم و کاستی‌های اعمال مردان خدا را جبران کرده و پاداش عمل کامل به آنان می‌دهد. «لِيَجْزِيهِمْ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا»
- ۲- مردان خدا همواره در حال رشد می‌باشند و ابعاد وجودی آنان افزایش می‌یابد. («يَزِيدُهُمْ...» و نفرمود: «يَزِيدُ لَهُ...»)
- ۳- پاداش را بیش از عمل بدهید. «وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ» (در اسلام سفارش شده است که مزد را معین کنید، ولی هنگام پرداخت بیش از آن مقدار بدهید.)
- ۴- اگر از سود تجارت دنیا بگذرید به سود بی‌حساب آخرت می‌رسید. «لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةً - بِغَيْرِ حِسَابٍ» (مراد از بی‌حساب، پاداشی فراوان و فوق انتظار است.)

﴿۳۹﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَلُهُمْ كَسَرَابٌ بِقِيعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمْنَانُ مَاءً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدُهُ شَيْئًا وَوَجَدَ اللَّهَ عِنْدَهُ فَوَّهُ حِسَابٌ وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابٍ

اعمال کسانی که کافر شدند همچون سرابی در بیابان است که تشنه آن را آب می‌پندارد، (اما) همین که به سراغ آن آمد آن را چیزی نیافت، اما خدا را نزد خویش یافت که حساب او را بی‌کم و کاست داده و خداوند زود به حساب‌ها می‌رسد.

نکته‌ها:

- ▣ کلمه «قیعه» به معنای زمین مسطح و بزرگ است و «ظمآن» کسی را می‌گویند که عطشش زیاد باشد. کلمه «وقّ» به معنای پاداش و کیفر کامل و بدون کم و کاست است.

پیام‌ها:

- ۱- شرط قبولی عمل، داشتن ایمان است و سعادت انسان نیز در گروایمان است.
﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَلُهُمْ كَسَرَابٌ﴾ (کفر سبب حبط و پوچی عمل است)
- ۲- اعمال کفار فریبند است. ﴿كَسَرَابٍ...﴾ به انگیزه‌ها بنگردید، نه به جلوه‌ها و ظاهر تلاش‌ها.
- ۳- در تعلیم و تربیت استفاده از مثال و تشییه مؤثر است. ﴿كَسَرَابٍ...﴾
- ۴- قیامت، روز بروز حقایق است. ﴿لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا وَ وَجَدَ اللَّهَ عَنْهُ﴾
- ۵- سعادت خواهی، در فطرت همه انسان‌ها وجود دارد و انگیزه‌ی تمام حرکت‌ها رسیدن به خیر است لکن تفاوت در واقع‌بینی و خیال‌گرایی است.
﴿يَحْسِبُهُ... مَا...﴾
- ۶- کفار در قیامت، هیچ سرمایه‌ای ندارند. ﴿لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا﴾
- ۷- علاوه بر عقیده، اعمال انسان در سرنوشت او مؤثر است. ﴿لَيَجِزِّهِمْ أَحْسَنُ مَا عَمِلُوا... أَعْمَلُهُمْ كَسَرَابٍ...﴾
- ۸- همهی مردم، روزی خدا را باور خواهند کرد. ﴿وَ وَجَدَ اللَّهَ عَنْهُ﴾
- ۹- در قیامت، رسیدگی به حساب افراد هم کامل و دقیق است و هم سریع. ﴿فَوَفَّاهُ حِسَابَهُ... سَرِيعَ الْحِسَابِ﴾ (برخلاف حسابرسی‌های دنیوی که یادقيق و کامل نیست و یا همراه معطلی است).

﴿۴۰﴾ أَوْ كَظُلْمَتِ فِي بَحْرٍ لُّجَّيِ يَغْشَهُ مَوْجٌ مِّنْ فَوْقِهِ
سَحَابٌ ظُلْمَتْ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكُنْ يَرَيْهَا
وَ مَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهَ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ

یا (اعمال کافران) همچون ظلماتی است در دریای عمیق و متلاطم که موجی بزرگ روی آن را می‌پوشاند، و روی آن، موج بزرگ دیگری است و بالای آن موج (دوم) ابری است، (تاریکی عمق دریا و موج‌های انباشته و

ابرهای تیره) ظلماتی است تو در تو (که کافر در آن‌ها غرق شده است) همین که دست خود را (برای نجات) برآورد، احتمال دست او را نمی‌بیند (تا نجاتش دهد). و خداوند برای هر کس نوری قرار ندهد، هیچ نوری برای او نخواهد بود.

نکته‌ها:

- کافر معمولی و ساده به اسلام نزدیک است، و امیدی به بازگشت او هست. مانند دورتادهای که میان دو نفر وجود دارد و کار آن دو به صلح و آشتی نزدیک است. اما کافرانی که در راه کفر، تلاش‌ها و اعمال خلاف بسیاری دارند، برگشت آنان بسیار سخت است. کافری که در عقیده‌اش اصرار ورزیده و دنبال کفرش، حق را تحقیر و جنگ‌ها کرده و بودجه‌ها خرج نموده و افرادی را دور خود گرد آورده و به این عنوان معروف شده است، بازگشت او به دامن اسلام بسیار سخت و بعيد است. زیرا هر تلاش و عمل او، موجی از ظلمت بر موج‌های قبل افزوده و اعمال کفرآلودش، کفر او را محکم‌تر ساخته است.
- اعمال کفار به جای این که راه را برای آنان باز کند، گمراحترشان می‌کند و حجابی روی حجاب دیگر است. نظیر آیه‌ی «وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ الْتَّورِ إِلَى الظُّلْمَاتِ...»^(۱)

پیام‌ها:

- ۱- به هنگام معرفی الگوها باید از الگوهای مثبت و منفی سخن گفت. (الگوی مثبت؛ «رجال لائِلْهِيم...» و الگوی منفی در آیه‌ی قبل و این آیه «والذین کفروا... او کظلمات...»)
- ۲- در برابر نور الهی (آیه ۳۵) که «نور علی نور» بود، در این آیه سخن از ظلمات و ظلمت فوق ظلمت است. «ظلمات بعضها فوق بعض»
- ۳- هر عملی از مؤمن نور و هر عملی از کافر ظلمت است. «او کظلمات»

- ٤- اعمال خوب کفار، سراب و اعمال بد آنها ظلمات است. «کسراب... او کظلمات»
- ٥- علم و عقل، انسان را از نور و حی الهی بی نیاز نمی کنند. اگر نور الهی نباشد، هیچ نوری انسان را نجات نمی دهد. «فما له من نور»

**﴿٤١﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُسَبِّحُ لَهُ مَنِ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْطَّيْرُ
صَافَّتِ كُلُّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَةً وَتَسْبِيحَهُ وَأَنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ**

آیا ندیدی که هر کس در آسمان‌ها و زمین است و پرندگان بال گشوده (در پرواز) برای خدا تسبیح می‌گویند، و هر یک نیایش و تسبیح خود را می‌داند؟ و خداوند به آنچه می‌کنند داناست.

﴿٤٢﴾ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ

و فرمانروایی آسمان‌ها و زمین، مخصوص خداست. و بازگشت (همه) به سوی اوست.

نکته‌ها:

▣ ظاهر آیه همانطور است که ترجمه شد، اما ممکن است فاعل «علم» خدا باشد، نه موجودات که در این صورت معنای آیه چنین می‌شود: خداوند از نیایش و تسبیح همه‌ی موجودات آگاه است.

▣ قرآن، بارها مسأله‌ی تسبیح موجودات و سجده و نماز آنها را با صراحة بیان کرده و گاهی فرموده است: شما تسبیح آنها را نمی‌فهمید.^(۱) از این آیات به دست می‌آید که علم و شعور، مخصوص انسان‌ها نیست. گرچه بعضی تسبیح موجودات هستی را تسبیح تکوینی و زبان حال آفرینش دانسته‌اند، ولی ظاهر آیات بر خلاف این مطلب است.

- ▣ خداوند، در این آیه چند مرتبه به صورت غیر مستقیم، به انسان هشدار داده است:
- الف: موجودات آسمان و زمین و پرندگان در حال تسبیح هستند. چرا انسان غافل است؟!
- ب: تسبیح موجودات، آگاهانه است. چرا انسان حضور قلب ندارد؟!
- ج: پرندگان، هنگام پرواز در هوا در حال تسبیح و نمازند، اما برخی انسان‌ها هنگام پرواز در آسمان، مظلومان را بمباران می‌کنند و یا در حال غفلت و مستی به سر می‌برند!
- ▣ در روایات می‌خوانیم: امام صادق علیه السلام هنگامی که صدای گنجشکی را شنید فرمود: این پرنده مشغول دعا و تسبیح است.^(۱)

پیام‌ها:

- ۱- تنها به خود نیندیشید، به اطراف خود هم بنگرید و در هستی نیز مطالعه و اندیشه کنید. **﴿أَلمْ تَرَ﴾**
- ۲- کسی که می‌خواهد دیگران را ارشاد کند، خود باید از دید عمیقی برخوردار باشد. پیامبر اکرم ﷺ، تسبیح موجودات را می‌دید. **﴿أَلمْ تَرَ﴾**
- ۳- در میان موجودات هستی، پرندگان، آن هم در حال پرواز، توجه خاصی به خدا دارند. **﴿وَ الطَّيْرُ صَافَّاتٌ﴾**
- ۴- همهی موجودات هستی، شعور دارند و نماز و تسبیح موجودات، آگاهانه است. **﴿كُلٌّ قد عَلِمَ صَلَاتَهُ﴾**
- ۵- نماز، در صورتی ارزش دارد که نمازگزار بداند چه می‌گوید و چه می‌کند. **﴿كُلٌّ قد عَلِمَ صَلَاتَهُ﴾**
- ۶- نماز و تسبیح هر موجودی به صورت خاصی است. **﴿صَلَاتَهُ وَ تَسْبِيْحَهُ﴾**
- ۷- خداوند، بر جزئیات کار تمام هستی آگاه است. **﴿عَلِمَ بِمَا يَفْعَلُونَ﴾**
- ۸- نظام هستی، هم فرمانروا دارد؛ **﴿وَلِلَّهِ الْمُلْكُ...﴾** و هم هدفدار است. **﴿وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ﴾**

۱. تفسیر کبیر فخر رازی، روح البیان.

﴿٤٣﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُزْجِي سَحَابًا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ رُكَامًا
فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خَلْلِهِ وَيُنَزَّلُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ جِبَالٍ فِيهَا
مِنْ بَرَدٍ فَيُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَصْرِفُهُ عَنْ مَنْ يَشَاءُ يَكَادُ
سَنَابِرْ قَهْ يَذْهَبُ بِالْأَبْصَرِ

آیا ندیدی که خداوند ابرها را به آرامی می‌راند. سپس بین اجزای آن پیوند برقرار می‌کند. آن گاه آن را متراکم می‌سازد. پس می‌بینی که باران از میان آن بیرون می‌آید و خداوند از آسمان از ابرهایی که مثل کوه است تگرگ فرو می‌فرستد. پس (زیان) آن را به هر کس بخواهد می‌رساند و از هر کس بخواهد باز می‌دارد. نزدیک است درخشندگی برق آن ابر، چشم‌ها را کور کند.

نکته‌ها:

- «یُزْجِی» به معنای حرکت آهسته همراه با دفع است. «بضاعة مزاجة» یعنی سرمایه‌ای که کم‌کم قابل دفع و برگرداندن است.
- کلمه «رُكَام» به معنای تراکم و «وَدْق» به معنای باران است. کلمه‌ی «سَنَابِرْ» به معنای درخشش است و «سَنَابِرْ قَهْ» یعنی درخشش برق.
- اگر کسی با هواییما بالاتر از ابرها پرواز کند، می‌بیند که توده‌های ابر مثل کوه است و این از معجزات قرآن است که ۱۴ قرن قبل فرمود: «يُنَزَّلُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ جِبَالٍ فِيهَا مِنْ بَرَدٍ» از کوه ابر، تگرگ می‌فرستیم.

پیام‌ها:

- ۱- سخن حق خود را با بیان نمونه‌ها ثبیت کنید. ﴿وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ... أَلَمْ تَرَ...﴾
- ۲- دقّت در آفرینش، بهترین راه شناخت خدا و مایه‌ی عشق به اوست. ﴿أَلَمْ تَرَ...﴾
- ۳- تمام حرکت‌ها در جهان طبیعت، با قدرت و اراده‌ی الهی و برای هدفی حکیمانه انجام می‌گیرد. ﴿يُزْجِي، يُؤَلِّف، يَجْعَل﴾

۴- عوامل طبیعی، مسیر تحقق اراده‌ی خداست، نه به جای خدا. «یُزْجِی، يَؤْنَفُ، يَجْعَلُهُ، يَنْزَلُ»

۵- بارش باران و تگر و مفید بودن یا مضر بودن آن به اراده خداست. «فَيُصَبِّ

به مَنْ يَشَاءُ وَيَصْرَفُهُ عَنْ مَنْ يَشَاءُ»

﴿٤٤﴾ يُقَلِّبُ اللَّهُ أَلَيْلَ وَالنَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعْبَرَةً لَاْوَلِي الْأَبْصَارِ

خداآند، شب و روز را جا به جا می‌کند. همانا در این (قدرت نمایی) برای
أهل بصیرت، عبرتی قطعی است.

پیام‌ها:

۱- تغییرات و آمد و رفت شب و روز، تصادفی نیست، بلکه بر اساس نظامی
دقیق استوار است. «يَقْلِبُ اللَّهُ»

۲- پدیده‌های هستی عبرت انگیز است، درباره‌ی آنها تفکر کنید. «لَعْبَرَةٌ
لَاْوَلِ الْأَبْصَارِ»

۳- کسی که اهل بصیرت باشد، می‌تواند از همه‌ی زمانها و مکانها درس بگیرد.
«اللَّيلُ وَالنَّهَارُ ... لَاْوَلِ الْأَبْصَارِ»

۴- تشویق به تدبیر و نهی از سطحی‌نگری، از سفارشات پی در پی فرآن است.
«لَاْوَلِ الْأَبْصَارِ»

﴿٤٥﴾ وَأَنَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِّنْ مَّاءٍ فَمِنْهُمْ مَّنْ يَمْشِي عَلَىٰ بَطْنِهِ وَمِنْهُمْ
مَّنْ يَمْشِي عَلَىٰ رِجْلَيْنِ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَمْشِي عَلَىٰ أَرْبَعٍ يَخْلُقُ اللَّهُ
مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

و خداوند هر جنبده‌ای را از آب آفرید، پس برخی از آنها بر شکم خویش
راه می‌رود و برخی بردو پا راه می‌رود و بعضی بر چهار پا راه می‌رود.
خداوند هر چه بخواهد می‌آفریند، زیرا خدا بر هر چیزی تواناست.

نکته‌ها:

- ❑ در این آیه، خداوند به اصناف حیوانات اشاره فرموده است: خزندگان، چرندگان و پرنده‌گان.
- ❑ تفکر در ساختمان وجودی حیوانات، گامی برای خداشناسی است. حضرت علی علیہ السلام در نهج البلاغه دربارهٔ برخی حیوانات از جمله طاووس و مورچه سخنانی آموزنده گفته است.
- ❑ این آیه بدنیال آیه قبل است؛ یعنی همان گونه که جابجایی شب و روز برای اهل بصیرت عبرت‌آموز است، آفرینش آن همه موجودات گوناگون از آب نیز وسیله‌ی عبرت است.
- ❑ ممکن است تنوین در کلمه‌ی «ماء» به اصطلاح تنوین تنویع باشد، یعنی خداوند انواع موجودات را از انواع آبها و مایعات مناسب خود آفرید.^(۱)

پیام‌ها:

- ۱- همه‌ی جنبنده‌ها با اراده‌ی او آفریده شده‌اند. «إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ»
- ۲- اگر انسان در حرکت و رشد معنوی نباشد، در حرکت ظاهری همچون حیوانات خواهد بود. «إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ...»
- ۳- ماده‌ی اصلی همه‌ی جنبنده‌ها آب است، «ماء» ولی قدرت‌نمایی خدا به گونه‌ای است که از این ماده‌ی ساده، این همه موجودات متنوع خلق می‌کند.
«إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ...»

﴿٤٦﴾ لَقَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْنَا مُبَيِّنَاتٍ وَأَنَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرْطٍ مُسْتَقِيمٍ

به راستی که آیاتی روشنگر نازل کردیم و خداوند هر کس را بخواهد به راه مستقیم هدایت می‌کند.

نکته‌ها:

- ❑ بعضی در فرق میان کلمات «سبیل» و «طريق» با «صراط» گفته‌اند که صراط به راهی می‌گویند که پیمودن آن هموار باشد و هیچ پیچیدگی و دشواری نداشته باشد.^(۲)

۱. تفسیر راهنما.

۲. فروق اللغة.

پیام‌ها:

- ۱- خداوند، با فرستادن آیات روشنگر، اتمام حجت کرده است. «انزلنا...»
 ۲- آیات الهی و سیله‌ی هدایت هستند ولی اصل هدایت کار اوست. «والله یهدی»

﴿٤٧﴾ وَيَقُولُونَ ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَأَطْعَنَا ثُمَّ يَتَوَلَّ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ
 مَّنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَمَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ

و می‌گویند: ما به خدا و رسول ایمان آوردیم و پیروی نمودیم. اما گروهی از آنان بعد از این اقرار، (به گفته خود) پشت می‌نمایند و آنان مؤمن واقعی نیستند.

نکته‌ها:

- این آیه و آیات بعد درباره‌ی منافقان مدینه است که ادعای یاری پیامبر را داشتند، ولی در عمل مخالف بودند.

پیام‌ها:

- ۱- به شعارهای زیبا و فریبند تکیه نکنیم، ایمان و ثبات قدم لازم است. «یقولون... یتوی»
 ۲- منافقان ادعای ایمان خود را هم تکرار می‌کردند و هم با تأکید می‌گفتند. (کلمه «یقولون» فعل مضارع و نشانه‌ی تکرار است و تکرار حرف (باء) در «بالله و بالرسول» نشانه‌ی تأکید است).
 ۳- پیمان شکن، دین ندارد. «یقولون - یتوی - ما اولئک بالمؤمنین»
 ۴- ایمان، از عمل جدا نیست. «یتوی ... و ما اولئک بالمؤمنین» (حتی منافقان در کنار کلمه «آمنا» کلمه‌ی «أطعنا» را می‌آوردن، ولی در عمل بی‌اعتنای بودند.)

﴿٤٨﴾ وَإِذَا دُعُوا إِلَىٰ اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُمْ مُّعْرِضُونَ

و هرگاه به سوی خدا و رسول او خوانده شوند، تا پیامبر میانشان داوری کند، آن گاه است که گروهی از آنان، روی گردان می شوند.

نکته ها:

- قضاوت و داوری رسول خدا ﷺ چیزی جز بیان حکم خدا نیست. چنانکه در آیه ۱۰۵ سوره نساء می خوانیم: «لَتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكُ اللَّهُ» تا میان مردم به (موجب) آنچه خدا به تو آموخته داوری کنی.

پیام ها:

- ۱- نشانه ایمان واقعی، پذیرفتن داوری پیامبر و نشانه ای نفاق روی گردانی از آن است. «إِذَا دُعُوا... إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُمْ مُّعْرِضُونَ»
- ۲- داوری و قضاوت از شئون انبیا است. «لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ»
- ۳- حکم پیامبر همان حکم خداوند است. («لِيَحْكُم» مفرد آمده، نه تشییه)
- ۴- در انتقاد، انصاف داشته باشد و همه را نکوبید. «فَرِيقٌ مِّنْهُمْ»
- ۵- قضاوت عادلانه، خوشایند گروهی از مردم نیست. «فَرِيقٌ مِّنْهُمْ مُّعْرِضُونَ»

﴿٤٩﴾ وَإِنْ يَكُنْ لَّهُمْ الْحَقُّ يَأْتُوا إِلَيْهِ مُذْعِنِينَ

و (لی) اگر حق با آنان (و به سودشان) باشد، با رضایت و تسلیم به سوی پیامبر می آیند.

﴿٥٠﴾ أَفِي قُلُوبِهِمْ مَرْضٌ أَمْ أَرْتَابُوا أَمْ يَخَافُونَ أَنْ يَحِيفَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَرَسُولُهُ بَلْ أُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

آیا در دل هایشان مرضی است، یاد چار شک شده اند و یا بیم آن دارند که خداوند و پیامبر ش حقی از آنان را ضایع کنند؟ (نه)، بلکه آنان همان ستمگرانند.

نکته‌ها:

▣ کلمه‌ی «حیف» به معنای خروج از اعتدال، از روی ظلم و جور است.

پیام‌ها:

۱- به هر گرویدن و اظهار علاقه‌ای تکیه نکنید. «وَإِنْ يَكُنْ لِّهِمْ الْحَقُّ يَأْتُوا إِلَيْهِ...» (به سراغ پیامبر می‌آیند، ولی نه برای حکم الهی بلکه برای دریافت سود!)

۲- منافق، فرصت طلب است و نان را به نرخ روز می‌خورد. «وَإِنْ يَكُنْ لِّهِمْ الْحَقُّ يَأْتُوا...»

۳- پیامبر اکرم ﷺ حتی برای منافقان، (آنجا که حق با آنان بود) به نفع آنان حکم می‌کرد و منافقان اذعان و اعتراف می‌کردند. «مُذْعِنِينَ»

۴- بی‌ایمانی، یک مرض روحی است. «وَمَا أَوْلَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ... أَفَقُلُوبُهُمْ مَرْضٌ»

۵- دلیل اعراض از داوری پیامبر سه چیز است: بیماری روحی، تردید و سوء‌ظن. «أَفَقُلُوبُهُمْ مَرْضٌ أَمْ ارْتَابُوا أَمْ يَخَافُونَ أَنْ يَحِيفَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ»

۶- شک و سوء‌ظن به خداوند، ظلم است. (ظلم به خود و دیگران و انبیا) «أَوْلَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ»

﴿٥١﴾ إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا أَسْمِعُنَا وَأَطِعْنَا وَأَوْلَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

(ولی) چون مؤمنان را به خدا و پیامبرش فراخواندند، تا میانشان داوری

کند، سخنšان جز این نیست که می‌گویند: شنیدیم و اطاعت کردیم، اینان

همان رستگارانند.

نکته‌ها:

▣ در چهار آیه‌ی قبل برخورد منافقان نسبت به داوری پیامبر اسلام را ترسیم کرد و در این آیه برخورد مؤمنان واقعی را مطرح می‌کند تا مردم در خود بنگرند که در برابر حکم خداوند

از کدام دسته هستند.

پیام‌ها:

- ١- حرف و راه مؤمن یکی است. «أَنْهَا»
- ٢- تسلیم شدن در برابر حق، شیوه‌ی دائمی مؤمنان است. «كَانَ قَوْلُ الْمُؤْمِنِينَ... أَنْ يَقُولُوا...»
- ٣- مؤمن، کاری به دعوت کننده ندارد، بلکه توجه او به راهی است که دعوت می‌شود. «دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ»
- ٤- آنچه برای مؤمن مهم است، عمل به وظیفه‌ی الهی و پذیرش داوری خدا و رسول است. (خواه به نفع او باشد یا به ضررش). «لِيَحُكُمْ بِيَنَّهُمْ»
- ٥- داوری از شئون انبیا است. «لِيَحُكُمْ بِيَنَّهُمْ»
- ٦- آنچه مهم است، شنیدن همراه با عمل است، نه شنیدن تنها. «سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا»
- ٧- اطاعت مؤمنین واقعی از پیامبر براساس آگاهی است. (تقدیم «سمعا» بر «اطعنا»)
- ٨- رسیدن به رستگاری، در سایه‌ی تسلیم بودن در برابر فرمان خدا و اطاعت کردن از اوست. «سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمَلْحُونُ»
- ٩- دینداری در نزاعها و قبول یا رد قضاوت‌های حق، معلوم می‌شود. «أُولَئِكَ هُمُ الْمَلْحُونُ»

﴿٥٢﴾ وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشَى اللَّهَ وَيَتَّقَهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ

و هر کس از خدا و رسولش پیروی کند و از خدا بترسد و از او پروا کند، پس آنان همان رستگارانند.

نکته‌ها:

▣ «فخر رازی» در تفسیرش می‌گوید: فوز و رستگاری در سه چیز است:

- ١- اطاعت خدا و رسول، در شادی‌ها و غم‌ها.
- ٢- ترس از خدا در مورد کردار گذشته.

۳- رعایت تقوا، در باقیماندهی عمر.

پیام‌ها:

- ۱- سعادت، کاری به نژاد و سن و جنس و قبیله ندارد، هر کس تسلیم خدا باشد، رستگار می‌شود. «مَن يُطِعْ... هُمُ الْفَائزُونَ»
- ۲- پیامبر ﷺ معصوم است، زیرا به اطاعت بی قید و شرط از او سفارش شده است. «مَن يُطِعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ»
- ۳- آنچه ارزش است، خشیت درونی و پروای بیرونی است. «يَخِشِّنَ اللَّهَ وَ يَتَّقَّهُ»
- ۴- اطاعت باید هم از خدا باشد و هم از رسول، و در کنار آن نه غرور، بلکه روحیه‌ی خشیت و تقوا باشد. «يُطِعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ يَخِشِّنَ اللَّهَ»
- ۵- خداترسان تقوا پیشه که مطیع خدا و رسولند، حتماً رستگار می‌شوند. «فَأَوْلَئِكَ هُمُ الْفَائزُونَ»

**﴿٥٣﴾ وَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَنِهِمْ لَئِنْ أَمْرَتَهُمْ لِيَخْرُجُنَّ قُلْ لَا تُقْسِمُوا
طَاعَةً مَعْرُوفَةً إِنَّ اللَّهَ خَيْرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ**

و سخت‌ترین سوگند‌هایشان را به نام خدا خوردند، که اگر (برای جبهه و جهاد) دستور دهی، قطعاً از خانه خارج می‌شوند. (به آنان) بگو: سوگند نخورید، اطاعت پسندیده (بهتر از گزافه‌گویی است)، البته خداوند به کارهایی که انجام می‌دهید آگاه است.

نکته‌ها:

- ▣ ممکن است معنای آیه این باشد که سوگند نخورید، اطاعت شما برای همه معروف و روشن است، شما سابقه‌ی بدی دارید. یا معنای آیه این باشد: آنچه نزد ما معروف و صحیح است، اطاعت در عمل است نه سوگندهای زبانی.

پیام‌ها:

۱- به هر سوگندی اطمینان نکنید. زیرا منافقان از مقدسات سوء استفاده می‌کنند.
 ﴿وَاقْسُمُوا بِاللّٰهِ...﴾

۲- هرچه درون کسی پوک‌تر باشد، تظاهر او بیشتر است. ﴿جَهْدُ ايمَانِهِ﴾

۳- مسلمانی، تنها به گفتار نیست، کردار هم لازم است. ﴿طَاعَةً مَعْرُوفَةً﴾

۴- با نپذیرفتن سوگند منافقان، جلو سوء استفاده آنان را بگیرید. ﴿قُلْ لَا تَقْسِمُوا﴾

۵- خداوند، منافقان را تهدید می‌کند که من به گفتار و رفتار شما آگاه هستم. ﴿إِنَّ اللّٰهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْلَمُونَ﴾

﴿۵۴﴾ قُلْ أَطِيعُوا اللّٰهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِمَا مَا حَمَّلُوا
 وَعَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ وَإِنْ تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا
 أَبْلَغُ الْمُبْيِنِ

بگو: خدا را اطاعت کنید و پیامبر را نیز اطاعت کنید. پس اگر سرپیچی نمایید، (به او زیانی نمی‌رسد، زیرا) بر او فقط آن (تكلیفی) است که به عهده‌اش گذاشته شده و بر شما نیز آن (تكلیفی) است که به عهده‌ی شما گذاشته شده است. و اگر اطاعت‌ش کنید، هدایت می‌یابید و پیامبر جز تبلیغ روشن مسئولیتی ندارد.

نکته‌ها:

- تکرار جمله «اطیعوا» نشان آن است که پیامبر دو شأن دارد: یکی بیان وحی‌الله؛
 «اطیعوا الله» و دیگری دستورات حکومتی؛ «اطیعوا الرسول».
- در قرآن به مواردی برمی‌خوریم که دو دستور از طرف خدا در کنار یکدیگر ذکر شده است و باید هر دو دستور اجرا شود و عمل کردن به یکی از آن دو کافی و قابل قبول نیست، از جمله:
 * ایمان و عمل. «آمنوا و عملوا الصالحات»^(۱)

- * نماز و زکات. «اقیموا الصلاة و آتوا الزکاة»^(١)
- * تشکر از خداوند و والدین. «آن آشکر لی و لوالدیک»^(٢)
- * اطاعت از خدا و رسول. «اطیعوا الله و اطیعوا الرسول» که در این آیه آمده است.
- در قرآن جمله «و إن تَوْلُوا» زیاد بکار رفته است که در تمام موارد به پیامبر دلداری می‌دهد که از بی‌اعتنایی مردم نسبت به تبلیغ خود دلسوز نشود.

پیام‌ها:

- ١- پیامبر مأمور است که منافقان را به اطاعت فراخواند. «قل اطیعوا...»
- ٢- اطاعت از اوامر و نواهی پیامبر ﷺ مثل اطاعت از دستورات خدا، واجب است. «اطیعوا الرسول»
- ٣- رهنمودهای پیامبر هماهنگ با فرمان‌های الهی است. «اطیعوا الله و اطیعوا الرسول» و گرنه خدا نمی‌فرمود، اطاعت کنید از من و از رهنمودهای ضد من.
- ٤- پیروی یا سرپیچی مردم از دستورات پیامبران، در وظیفه‌ی آن بزرگواران اثربنندارند. «فَإِن تَوَلُّوا فَالْمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ»
- ٥- تکلیف هر فردی، مربوط به خود است. «عليه ما حُمِّل و عليكم ما حُمِّلت»
- ٦- هدایت، در سایه اطاعت است. «إِن تُطِيعُوهُ تُهْتَدُوا»
- ٧- پیامبران، ابلاغ می‌کنند نه اجبار. «و ما علی الرسول الاّ الْبَلَاغُ» آری نپذیرفتن مردم دلیلی بر نگفتن مبلغ نیست.

﴿٥٥﴾ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ظَاهَرُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّلِحَاتِ لَيَسْتَخْلَفُنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا أَسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي أَرْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَ نَّا لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ

خداؤند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند،
و عده داده است که حتماً آنان را در زمین جانشین قرار دهد، همان گونه که
کسانی پیش از ایشان را جانشین کرد، و قطعاً دینی را که خداوند برای
آنان پسندیده است، برای آنان استقرار و اقتدار بخشد و از پی ترسیان
امنیت را جایگزین کند، تا (تنها) مرا بپرستند و چیزی را شریک من نکنند،
و هر کس بعد از این، کفر ورزد پس آنان همان فاسقانند.

نکته‌ها:

- در روایات بسیاری از امام سجاد و امام باقر و امام صادق علیهم السلام می‌خوانیم: مصدق کامل این آیه، روز حکومت حضرت مهدی علیه السلام است.^(۱)
 - در قرآن، بارها به حکومت نهایی صالحان تصریح شده است، از جمله: سه مرتبه فرمود: «لِيُظْهِرَ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ»^(۲) یعنی اسلام بر همه‌ی ادیان پیروز خواهد شد. در جای دیگری فرمود: «إِنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادُ الصَّالِحِينَ»^(۳) یعنی بندگان صالح من وارث زمین خواهند شد و در جای دیگری از قرآن کریم می‌خوانیم: «وَالْعَاقِبةُ لِلْتَّقِيِّ»^(۴) یا می‌فرماید: «وَالْعَاقِبةُ لِلْمُتَّقِّينَ»^(۵)
 - مراد از جانشینی مؤمنین در آیه یا جانشینی از خداست و یا جانشینی از اقوام فاسد هلاک شده است.
 - «قرطبي» در تفسیر خود، درباره‌ی پیروزی کامل اسلام چند حدیث نقل می‌کند و می‌گوید: در زمین خانه‌ای نخواهد بود مگر آن که اسلام در آن خانه وارد خواهد شد.
 - پیامبر اکرم علیهم السلام در آخرین حج خود در مسیر برگشت از مکه (روز هیجدهم ذی الحجه) در غدیر خم به فرمان خداوند حضرت علی علیهم السلام را جانشین خود قرار داد، آیه نازل شد امروز من اسلام را برای شما پسندیدم؛ «رَضِيَتُ لَكُمُ الْإِسْلَامُ دِينًا»^(۶) در این آیه نیز مورد عده‌ی
-
۱. تفسیر نور الشقلین.

۲. توبه، ۳۳؛ فتح، ۲۸ و صف، ۹.
۳. انبیاء، ۱۰۵.

۴. طه، ۱۳۲.
۵. اعراف، ۱۲۸.

۶. مائدہ، ۳.

خداؤند پیروزی آن دینی است که خدا پسندیده است؛ «**دِينَهُمُ الَّذِي أَرْتَضَى لَهُمْ**» و دینی که خدا پسندیده و اعلام کرده، همان مکتب غدیر خم است.

پیام‌ها:

- ١- اسلام، دین آینده‌ی جهان است. آینده‌ی تاریخ به سود مؤمنان و شکست سلطه‌ی کافران است. «**وَعَدَ اللَّهُ... لِمَنِ اتَّقَى لَهُمْ دِينَهُمْ**»
- ٢- به محرومان مؤمن، امید دهید تا فشار و سختی‌ها، آنها را مأیوس نکند. «**وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا**»
- ٣- کلید و رمز لیاقت برای بدست گرفتن حکومت گسترده حق، تنها ایمان و عمل صالح است. «**الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ**» به کسانی که اهل ایمان و عمل باشند و عده‌ی پیروزی داده شده، نه به آنان که تنها اهل ایمان باشند.
- ٤- دین، از سیاست جدا نیست، بلکه سیاست و حکومت برای حفظ دین است. «**لِيَسْتَخْلِفُنَّهُمْ... يَعْبُدُونَنِي**»
- ٥- در تبلیغ و ارشاد مردم، برای باور کردن آنان، بیان نمونه‌هایی از تاریخ گذشته مفید است. «**كَمَا أَسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ**»
- ٦- پیروزی نهایی اهل حق، یک سنت الهی است. «**كَمَا أَسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ**»
- ٧- هدف از پیروزی و حکومت اهل ایمان، استقرار دین الهی در زمین و رسیدن به توحید و امنیت کامل است. «**لِمَكَنَّ لَهُمْ دِينَهُمْ - لِيَبْدَلُنَّهُمْ - لَا يَشْرُكُونَ**»
- ٨- دست خدا را در تحولات تاریخ ببینیم. «**وَعَدَ اللَّهُ... لِمَكَنَّ لَهُمْ - لِيَبْدَلُنَّهُمْ**»
- ٩- دین اسلام، تنها دین مورد رضایت الهی است. «**دِينَهُمُ الَّذِي أَرْتَضَى لَهُمْ**»
- ١٠- امنیت واقعی، در سایه‌ی حکومت دین است. «**وَلِيَبْدَلُنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا**»
- ١١- امنیت در جامعه‌ی اسلامی، شرایط مناسبی برای عبادت فراهم می‌سازد. «**أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي**» (هدف نهایی و عده‌های الهی، عبادت خالصانه خداوند است)
- ١٢- عبادت خدا، زمانی کامل است که هیچ‌گونه شرکی در کنار آن نباشد. «**يَعْبُدُونَنِي لَا يَشْرُكُونَ**»

۱۳- در حکومت صالحان نیز، گروهی انحراف خواهند داشت. «وَعَدَ اللَّهُ ... وَ مِنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ»

﴿٥٦﴾ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَاعْتُوْا الزَّكُوْةَ وَأَطْبِعُوا الرَّسُوْلَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُوْنَ

و نماز را به پا دارید و زکات را بپردازید و از پیامبر اطاعت کنید. باشد تا مورد رحمت قرار گیرید.

﴿٥٧﴾ لَا تَحْسِبُنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا مُعْجِزِيْنَ فِي الْأَرْضِ وَمَا وَيَهُمُ الظَّارِفُونَ
وَلَبِئْسَ الْمَصِيرُ

هرگز گمان مبر که کفار مارا در زمین عاجز و درمانده می‌کنند. جایگاه آنان آتش است و به راستی که سرانجام بدی است.

نکته‌ها:

- امام صادق علیه السلام با تلاوت این آیه فرمود: زکات فطره مصدق زکات در آیه و واجب است.^(۱)
- شاید آیه پاسخ سؤالی باشد که بعد از آیه قبل مطرح می‌شود که با آن همه کفر و نفاق و امکاناتی که مخالفین دارند، چگونه خداوند به مؤمنین و عده حاکمیت بر زمین را می‌دهد؟ این آیه می‌فرماید: «وَلَا تَحْسِبُنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا مُعْجِزِيْنَ فِي الْأَرْضِ» تردید نکن، زیرا مخالفین نمی‌توانند در هیچ کجای زمین اراده و راه خداوند را مختل و عاجز نمایند. برخلاف میل و پندار نادرست دشمنان، روزی حکومت امام زمان علیه السلام محقق خواهد شد.^(۲)

پیام‌ها:

- ۱- نماز و زکات و اطاعت از رهبر الهی، نمونه بارز ایمان و عمل صالحی است که در آیه قبل و عدهی حاکمیت به آنان داده شد. «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِيْنَ آمَنُوا... أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ...»

۱. بحار، ج ۹۳، ص ۱۰۴. ۲. تفسیر المیزان.

۲- در اسلام، مسائل عبادی «اقیموا الصلوة» و مسائل مالی «آتوا الزکوة» و مسائل سیاسی و حکومتی «اطعیوا الرسول» از یکدیگر جدا نیستند.

۳- وعده‌های الهی (که در آیه قبل بود)، سبب تن پروری نشود! «اقیموا... آتوا الزکوة...»

۴- شرط رسیدن به رحمت الهی، پیروی از خدا و رسول است. «لعلکم ترجمون»

۵- کفار، اگر چه ابرقدرت باشند، اما در مبارزه با دین خدا شکست خواهند خورد. «لاتحسِّبَ الظَّاهِرَةَ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوْفُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْأَيَّاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

﴿٥٨﴾ يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءامَنُوا لِيَسْتَذِنُكُمُ الَّذِينَ مَلَكُوتُ أَيْمَانِكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوْفُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْأَيَّاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! باید بر دگانی که مالکشان هستید و کسانی از شما که به سن بلوغ و احتلام نرسیده‌اند در سه وقت از شما (برای ورود به اتاق) اجازه بگیرند: پیش از نماز صبح و نیمروز، هنگامی که لباس از تن بیرون می‌کنید، و بعد از نماز عشا. این سه وقت هنگام خلوت شمامست، در غیر این سه وقت بر شما و بر آنان گناهی نیست که بدون ادن وارد شوند، زیرا آنان پیوسته با شما در رفت و آمد هستند و بعضی بر بعضی وارد می‌شوند. خداوند آیات خود را این گونه برای شما بیان می‌کند و خداوند عالم و حکیم است.

نکته‌ها:

■ اگر بار دیگر از اول سوره نگاهی به آیات آن بکنیم خواهیم دید که سیاست پیشگیری از فحشا در آیات نهفته است، مثلاً زن و مرد زناکار را در برابر چشم دیگران تنبیه کنید، (آیه ۱)

ازدواج آنان را محدود کنید، (آیه ۳) اگر بدون چهار شاهد نسبت ناروا داده شد، هشتاد تازیانه بزنید، (آیه ۴) کسانی که به همسر پیامبر تهمت زندن عذاب عظیم خواهند داشت، (آیه ۱۱) اگر تهمتی را شنیدید بروخورد کنید، (آیه ۱۲) هرکس اشاعه فحشا را دوست بدارد، عذاب الیم خواهد داشت، (آیه ۱۹) بدنیال گام‌های شیطان نروید، (آیه ۲۱) کسانی که به زنان پاکدامن تهمت بزنند عذاب عظیم خواهند داشت، (آیه ۲۳) سخن زشت از افراد خبیث است نه شما، (آیه ۲۶) سرزده به خانه دیگران نروید و اگر گفتند برگردید شما نیز بپذیرید و برگردید، (آیه ۲۸-۲۷) مردان و زنان چشم خود را از نامحرم پیش کشند و خیره نشوند، (آیه ۳۰-۳۱) زنان زیور خود را نشان ندهند و پایکوبی نکنند و برای ازدواج افراد بی‌همسر قیام کنید و از فقر نترسید، (آیه ۳۲) و در این آیه می‌فرماید: در ساعاتی که انسان با همسرش خلوت می‌کند حتی فرزندان و بردگان سرزده وارد نشوند. آری تمام این دستورات برای جلوگیری از فحشا و بلوغ زودرس و حفظ حریم و حیا و آبرو است.

پیام‌ها:

- ۱- مسئول آموزش احکام دین به فرزندان، والدین مؤمن هستند. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنُكُمْ»
- ۲- محل خواب والدین باید جدا و دور از چشم فرزندان باشد، وگرنه نیاز به اذن نبود. «لِيَسْتَأْذِنُكُمْ»
- ۳- کودکی و بردگی بهانه‌ای برای شکست حریم دیگران نیست. «لِيَسْتَأْذِنُكُمْ»
- ۴- مرد باید در طول شبانه روز، ساعاتی را به همسر خود اختصاص دهد و فرزندان مراحم نشوند. «لِيَسْتَأْذِنُكُمْ»
- ۵- کودکان نیز تکلیف دارند. «لِيَسْتَأْذِنُكُمْ ... الَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ»
- ۶- اسلام دین زندگی است و از جامعیت کاملی برخوردار است. هم برای مسائل جزئی مانند ورود کودک به اتاق والدین (که در همین آیه آمده است) و هم برای مسائل مهم مانند تشکیل حکومت جهانی (که در آیه ۵۵ آمده است) طرح و برنامه دارد.

- ٧- کودکان باید پاکدامنی را از محیط خانه بیاموزند. «لیستاذنکم»
- ٨- تربیت و آموختن آداب اسلامی را قبل از بلوغ کودکان شروع کنیم. «الذین لم يبلغوا الحلم»
- ٩- در خانه، باید لباس کار و لباس بیرون را کنار گذاشت. «تضعون ثیابکم»
- ١٠- استراحت، بعد از ظهر و در میان ساعات کار، مفید و مناسب است. «تضعون ثیابکم من الظهيرة»
- ١١- تنظیم وقت، در زندگی مسلمانان باید بر اساس اوقات نماز صورت گیرد.
«قبل صلوة الفجر - بعد صلوة العشاء»
- ١٢- تمام احکام الهی بر اساس حکمت است. «علیم حکیم»

﴿٥٩﴾ وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَلُ مِنْكُمُ الْحَلْمَ فَلْيَسْتَدِّنُوا كَمَا أَسْتَدَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ عَائِتَةً وَأَنَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

و هر گاه کودکان شما به حد بلوغ رسیدند، پس باید همانند بزرگسالانی که قبلاً بالغ شده‌اند، (در همه وقت) اجازه (ورود) بگیرند. خداوندان گونه آیات خود را برای شما بیان می‌کند و خداوند دانا و حکیم است.

نکته‌ها:

- ▣ کلمه‌ی «حُلم» و «احتلام» به معنای جنب شدن در خواب است که یکی از نشانه‌های بلوغ می‌باشد. البته نشانه‌های بلوغ برای دختران و پسران متفاوت است که در رساله‌های مراجع تقلید آمده است.

پیام‌ها:

- ١- احتلام، مرز رسیدن به بلوغ شرعی است. «و اذا بلغ»
- ٢- بزرگان و اطرافیان، برای نوجوانان الگو هستند. «كما استاذن الّذين من قبلهم»
- ٣- با اعمال خود، فرزندان را تربیت کنید. «كما آستاذن»

- ٤- در تربیت فرزندان، از الگوهای زنده استفاده کنید. «کما آستاذن...»
 ۵- دستوراتی که خداوند برای حفظ عفت صادر کرده، آگاهانه و حکیمانه است.
 «علم حکیم»

﴿٦٠﴾ وَالْقَوْعِدُ مِنَ النِّسَاءِ أَلَّتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ
 أَنْ يَضْعُنَ شِيَابِهِنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَةٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَغْفِفْنَ خَيْرٌ
 لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

و بر زنان و انشسته‌ای که امیدی به ازدواج ندارند، باکی نیست که پوشش خود را زمین گذارند، به شرطی که زینت خود را آشکار نکنند. و عفت ورزیدن برای آنان بهتر است و خداوند شنوا و آگاه است.

نکته‌ها:

- از آیات قرآن استفاده می‌شود که در مسأله‌ی حجاب، ملاک این است که پوشش بانوان تحریک کننده و شهوت انگیز نباشد، زیرا تنها موارد زیر را استثنای نموده است:
 - * «غیر اولی الاربة»^(۱) کسی که شهوتی ندارد.
 - * «او الطُّفَلُ الَّذِينَ لَمْ يَظْهِرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ» بچهای که از مسائل شهوت، چیزی نمی‌داند.
 - * «عِنْ تَضْعُنْ شِيَابِكُمْ»^(۲) هنگامی که لبستان را کنار می‌گذارید و با همسر خود هستید.
 - * «لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا» زنان از کار افتاده‌ای که امید ازدواج ندارند.
- بنابراین، مسأله روی تحریک احساسات جنسی و گناه دور می‌زند و اگر حداقل حجاب اسلامی، برای جلوگیری از گناه کافی نبود، لازم است بانوان چادر و حجاب برتر داشته باشند، تا دیگران مرتكب گناه نشونند.
- مراد از جمله‌ی «يَضْعُنَ شِيَابِهِنَّ» این نیست که زنان سالخورده مجازند عریان شوند، زیرا

در آیه قبل نیز مراد از «تضعون ثيابكم» در آوردن لباس‌های بیرون بود، نه تمام لباسها، به علاوه امام صادق علیه السلام درباره‌ی این آیه فرمودند: مراد کنار گذاشتن روسرب و روپوش است نه برهنگی.^(۱)

▣ اصل مسأله‌ی حجاب از احکام ثابت و ضروری اسلام است، ولی مسائل مربوط به کیفیت پوشش، بر این اساس تنظیم می‌شود که تمایلات جنسی را تحریک نکند و عامل حفظ عفت و پاکدامنی باشد. «لا يرجون نكاحاً فليس عليهم...»

پیام‌ها:

- ۱- قوانین اسلام مطابق با واقعیت‌ها و ضرورت‌ها و نیازها و توانایی‌های اجتماعی است. (باید برای پیرزنی که میل به همسر ندارد و آرایش نمی‌کند، مسئله را آسان گرفت) «و القواعد من النساء التي لا يرجون نكاحاً... ان يضعن ثيابهن»
- ۲- برای زنان پیر و جوان، آرایش و نشان دادن زینت ممنوع است. «غير متبرجات»
- ۳- سالخوردگی به تنهایی کافی نیست، بلکه باید بی میلی به ازدواج نیز باشد تا اجازه برداشتن روسرب را داشته باشند. «القواعد... لا يرجون»
- ۴- حجاب، مایه‌ی حفظ عفت است. «يضعن ثيابهن ... و أن يستعففن خير لهن»
- ۵- حجاب، به نفع زنان است. «خير لهن»
- ۶- دوخت لباس و نوع و رنگ آن، هر چه به عفت نزدیک‌تر باشد، بهتر است. «و ان يستعففن خير لهن»
- ۷- در کنار آزادی، هشدار لازم است. (اگر از آسان بودن و راحتی احکام الهی، سوء استفاده شود و برای اهداف شیطانی، عمل شود، خدا شنا و آگاه است و به حساب متخلفان می‌رسد). «والله سمیع علیم»

۱. تفسیر نورالثقلین؛ کافی، ج ٥٧، ص ٥٢٢.

﴿٦١﴾ لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ
 حَرَجٌ وَلَا عَلَى أَنفُسِكُمْ أَن تَأْكُلُوا مِن بُيُوتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ ءابَائِكُمْ
 أَوْ بُيُوتِ أَمَهَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ إِخْوَنِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخْوَتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ
 أَعْمَامِكُمْ أَوْ بُيُوتِ عَمَّتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخْوِلِكُمْ أَوْ بُيُوتِ خَالِتِكُمْ
 أَوْ مَا مَلَكْتُمْ مَفَاتِحَهُ أَوْ صَدِيقِكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَن تَأْكُلُوا
 جَمِيعًا أَوْ أَشْتَاتًا فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَى أَنفُسِكُمْ تَحِيَّةً
 مُّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَرَّكَةً طَيِّبَةً كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ
 لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

بر نایینا و لنگ و بیمار و بر خود شما ایرادی نیست که بخورید از خانه‌های خود یا خانه‌های پدرانتان یا خانه‌های مادرانتان یا خانه‌های برادرانتان یا خانه‌های خواهرانتان یا خانه‌های عموهایتان یا خانه‌های عمه‌هایتان یا خانه‌های دایی‌هایتان یا خانه‌های خاله‌هایتان یا آن خانه‌هایی که کلیدهایش را در اختیار دارید یا خانه‌های دوستانتان. بر شما باکی نیست که به طور دسته جمعی بخورید یا پراکنده (و تنها)، و چون وارد هر خانه‌ای شدید پس بر یکدیگر سلام کنید، که تحیت الهی است و مبارک و پسندیده است. خداوند آیات خود را این چنین برای شما بیان می‌کند. باشد که بیندیشید.

نکته‌ها:

- امام باقر علیہ السلام فرماید: قبل از اسلام، نایینا و لنگ و مریض حق نداشتند با افراد سالم غذا بخورند این آیه به آنان اجازه داد تا با افراد سالم و دسته‌جمعی غذا بخورند، یا اگر خواستند جداگانه میل کنند.^(۱) آری در جامعه باید از شخصیت چنین افرادی دفاع کرد.

۱. تفسیر نور الشقیقین.

- ◻ اگر دلیل دیگری در کار نباشد و ما باشیم و این آیه، به نظر می‌رسد که خداوند برای نایینا و لنگ و بیمار یک کارت سبز برای مصرف صادر کرده است که این سه گروه در همه جا می‌توانند غذای مورد نیازشان را میل کنند و منطقه‌ای برای آنان ممنوعه نیست، ولی سایر افراد تنها در موارد یازده‌گانه‌ی ذکر شده در آیه، حق مصرف دارند. (این برداشت را جایی ندیدم، اگر حق است از خداست و اگر باطل است از من است).
- ◻ قرآن با بیان یک اصل و قانون کلی بیان می‌کند که همان گونه که افراد نایینا و لنگ و مریض از غذا خوردن در خانه‌هایی معافند، شما نیز در مصرف غذا از خانه‌هایی که در آیه آمده معاف می‌باشید.
- ◻ این آیه تنها اجازه‌ی استفاده از خانه‌ی خویشان نسبی را بیان کرده و نامی از فامیل سببی مثل پدر زن و مادر زن و برادر زن و خواهر زن نبرده است.
- ◻ این آیه تنها درباره‌ی غذا خوردن است، ولی تصریفات دیگر در مال دیگران مشروط به گرفتن اجازه است. امام صادق علیه السلام فرمودند: مراد از خوردن در آیه خوردن خرما، نان و خورشت است نه غیر آن.^(۱) و خوردن غذا از خانه‌های یازده‌گانه، باید طبیعی و دور از اسراف و تبذیر باشد.^(۲)
- ◻ در موارد ذکر شده در آیه، همین که از رضایت صاحبخانه با خبر باشیم کافی است، ولی گاهی قرائنا نشان می‌دهد که همین یازده گروه میل ندارند از غذای خانه آنان بخوریم مثلاً اگر غذا را در جای مخصوصی پنهان کرده باشند این نشان می‌دهد که راضی نیستند ما استفاده کنیم. در چنین مواردی باید دست نگه داریم.
- ◻ در مجمع‌البيان می‌خوانیم: بخش اول آیه مربوط به معاف بودن نایینا و لنگ و بیمار از شرکت در جهاد است و قسمت بعدی آیه مربوط به غذا خوردن است.
- ◻ امام باقر علیه السلام فرمود: همین که شخصی وارد خانه شود و بر اهل آن سلام کند و آنان جواب دهند، این سلام بر خویشن است.^(۳)

۱. تفسیر نورالثقلین.

۲. تفسیر صافی.

۳. تفسیر آفی.

پیام‌ها:

- ١- دیگران را بر خود مقدم بداریم، خصوصاً محرومان را. «الاعمى - الاعرج - المريض - انفسكم»
- ٢- مسائل عاطفی، در مسائل حقوقی اثر می‌گذارند. (گرچه غذا ملک صاحب‌خانه است، ولی اسلام روابط خویشاوندی و عاطفی را در این موارد بر مالکیت افراد غالب نموده است). «أن تأكلوا من... بيوت اعماكم»
- ٣- خانه‌ی همسر و فرزند خانه خود شمامست.^(١) «بيوتكم» (خانه‌ی فرزند در آیه نیست شاید به خاطر این که این مورد، روشن و مسلم است. در حدیث می‌خوانیم: «انت و مالك لا يك» تو و مالت از آن پدرت می‌باشد).
- ٤- قرائن محکم و اطمینان عقلایی برای جواز مصرف کافی است. (مثالاً دادن کلید خانه، نشان رضایت است) «ملكتم مفاتحه او صديقكم»
- ٥- در اسلام، حق دوست در کنار حق فامیل قرار داده شده است. «او صديقكم» (از «افلاطون» پرسیدند: برادرت را بیشتر دوست داری یا رفیقت را؟ گفت: برادرم را زمانی که رفیقم باشد).^(٢)
- ٦- سلام کردن، از آداب ورود به منزل است. «فصلّموا»
- ٧- سلام، ادبی آسمانی، مبارک و دلپسند است. «تحيّة من عند الله مباركة طيبة»
- ٨- سلام کردن، در خیر و برکت زندگی مؤثر است. «مبركة طيبة»
- ٩- اهل خانه به منزله‌ی جان شما هستند. «سلّموا على انفسكم»
- ١٠- مرز حق و حقوق را باید خداوند تعیین فرماید. «يبيّن الله لكم الآيات»
- ١١- در احکام الهی باید اندیشید. «لعلّكم تعقلون»

١. تفسیر المیزان.

٢. تفسیر مراغی.

﴿٦٢﴾ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ ظَاهَرَتْ إِيمَانُهُمْ وَإِنَّمَا كَانُوا مَعَهُ عَلَىٰ
أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَدْهُبُوا حَتَّىٰ يَسْتَئْذِنُوهُ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَئْذِنُونَكَ
أُولَئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِذَا أَسْتَدْبَدُوكَ لِبَعْضِ
شَأْنِهِمْ فَأَذْنِ لَمَنْ شِئْتَ مِنْهُمْ وَأَسْتَغْفِرْ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

مؤمنان (واقعی) تنها کسانی هستند که به خدا و پیامبرش ایمان آورده و هرگاه با پیامبر بر کاری اجتماع نمایند، بدون اجازه او نمی‌روند، (ای پیامبر!) کسانی که اجازه می‌کیرند آنانند که به خدا و پیامبرش ایمان دارند. پس اگر برای بعضی از کارهای خوداز تواجده خواستند، به هرکس از آنان که خواستی (ومصلحت بود) اجازه بده و برای آنان از خدا طلب آمرزش کن، که خداوند بخشنده و مهربان است.

نکته‌ها:

▣ در کتب تفسیر، درباره‌ی شأن نزول این آیه مطالب گوناگونی ذکر شده است که موارد عمده‌ی آن را در اینجا می‌آوریم:

۱- بعضی گفته‌اند: این آیه، مربوط به «حنظله» است، که شب عروسی او فرمان جهاد صادر شده بود. او با کسب اجازه از محضر پیامبر ﷺ به خانه رفت و مراسم زفاف را بجا آورد و به خاطر کمبود وقت، بدون آن که غسل کند به جبهه رفت و به شهادت رسید. پیامبر فرمود: «فرشتگان او را غسل دادند».

خداؤند از همان یک شبی که حنظله با همسرش بود فرزندی به او عطا کرد که تاریخ آن مفصل است.^(۱)

۲- بعضی دیگر گفته‌اند: این آیه درباره‌ی منافقین است، که هرگاه با مردم بودند، به نماز می‌ایستادند و اگر کسی آنان را نمی‌دید و تنها بودند، از نماز فرار می‌کردند.^(۲)

۳- دسته‌ای گفته‌اند: رسول خدا ﷺ گروهی را برای کاری اعزام فرمود، ولی آنان به سراغ

۱. تفسیر المیزان.

۲. تفسیر کبیر فخر رازی.

کارهای شخصی خود رفته، و آیه‌ی مذکور در این باره سخن می‌گوید.

۴- برخی می‌گویند: این آیه در مورد مسلمانانی است که مشغول کندن خندق بودند و برای سرکشی به خانواده‌ی خود از پیامبر اجازه می‌خواستند.

پیام‌ها:

۱- حضور در کنار رهبری برای کمک و حل مشکلات، نشانه‌ی ایمان و ترک آن نشانه‌ی نفاق یا ضعف ایمان است. «کانوا معه علی امر جامع»

۲- در مسائل تشکیلاتی، که بر اساس همفکری و مشورت، تصمیم گرفته می‌شود، خودمحوری و خودمختاری ممنوع است. «علی امر جامع لم یذهبوا»

۳- در زندگی اجتماعی، وجود رهبر و پیروی از او لازم است. «علی امر جامع لم یذهبوا»

۴- ایمان باید همراه با تسلیم و اطاعت باشد. «لم یذهبوا حتی یستأذنوه»

۵- اجازه گرفتن از رهبر، نشانه‌ی ادب، تسلیم، قانونمندی، عشق به رهبر و نظم و نظام است. (با توجه به کل آیه)

۶- باید نظام اجتماعی و کارهای گروهی را ارج نهیم. «لم یذهبوا حتی یستأذنوه»

۷- بعضی مسائل را باید سربسته گفت. «لبعض شأنهم»

۸- رهبری در اسلام، همراه با مصلحت‌اندیشی و رحمت است. «شئت منهـم - و استغفر لهـم»

۹- تصمیم‌گیری نهایی با رهبر است. «لم شئت منهـم» (پیامبر در مسائل عمومی جامعه، بر مردم ولايت دارد).

۱۰- رهبر باید در اعمال سیاست‌های خود انعطاف‌پذیر و واقع‌بین باشد. «فأذن من شئت منهـم»

۱۱- رهبران الهی، عذر پذیر و مهربانند. «فأذن لم شئت منهـم واستغفر لهـم»

۱۲- اذن پیامبر برای کارهای شخصی، کار را حلال می‌کند ولی نفس رها کردن کارهای عمومی در حضور رهبر، نیاز به استغفار دارد. «فأذن... واستغفر لهـم»

١٣- طرح مسائل شخصی در هنگام اشتغال به کارهای عمومی، گرچه با اجازه باشد، زیبا نیست و باید عذرخواهی کرد. «وَاسْتغْفِرْ لَهُمْ»

٤- استغفار و دعای پیامبر ﷺ مستجاب است. «وَاسْتغْفِرْ لَهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ»

﴿٦٣﴾ لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا قَدْ يَعْلَمُ
اللَّهُ الَّذِينَ يَتَسَلَّلُونَ مِنْكُمْ لِوَادِأَ فَلَيُخَذِّرَ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ
أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةً أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا

آن گونه که یکدیگر را صدا می‌زنید پیامبر را صدا نزنید. خدا می‌داند چه کسانی از شما مخفیانه و با پنهان شدن پشت سر دیگری از صحنه می‌گریزد. پس کسانی که از فرمان او سرپیچی می‌کنند، باید از این که فتنه‌ای دامنشان را بگیرد، یا به عذاب دردناکی گرفتار شوند بترسند.

نکته‌ها:

■ «تسَلّل» خارج شدن پنهانی و «لواد» پنهان شدن پشتسر دیگری است که کار منافقان بود.

■ در مورد معنای این آیه، چهار احتمال وجود دارد:

۱- پیامبر را مثل دیگران صدا نزنید. در روایت می‌خوانیم: «یا محمد»، «یا بالقاسم» نگویید، بلکه یا «رسول الله» و «یا نبی الله» بگویید.^(۱) و در روایت دیگر آمده است که این آیه درباره‌ی جانشینان آن حضرت نیز جریان دارد.^(۲)

۲- اگر پیامبر ﷺ شما را به کاری مثل رفتن به جبهه و خواندن نماز دعوت کرد، حتماً اطاعت کنید و دعوت او را ساده نگیرید.

۳- در صدا زدن پیامبر، فریاد نکشید.^(۳)

۴- نفرین و دعای پیامبر مستجاب است، مواطن باشید.^(۴)

۱. تفسیر نورالثقلین.

۲. بحار، ج ٢٣، ص ٣٠.

۳. تفسیر مجتمع البیان.

۴. تفسیر کبیر فخر رازی.

پیام‌ها:

- ۱- رهبری الهی، حریم دارد و دارای مقام و احترام است. هم نام او را با احترام ببرید و هم با تمام وجود تسلیم او باشید و فراخوانی او را مانند فراخوانی دیگران ندانید. «لَا تَجْعَلُوا دِعَاءَ الرَّسُولِ...»
- ۲- نافرمانی از رسول خدا ﷺ نافرمانی از خداست. (اوّل آیه سخن از دعوت رسول است و آخر آیه، سخن از مخالفت خدا). «فَلِيَحْذِرُ الَّذِينَ يَخْافُونَ»
- ۳- ساده گرفتن پیام‌های رهبری و بی‌توجهی به آنها، فتنه و عذاب به دنبال دارد.
- ۴- مخالفت فرمان خدا، یا فتنه‌ی دنیوی به دنبال دارد یا کیفر اُخروی. «فتنة او تصیبهم عذاب الیم»

**﴿۶۴﴾ أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَأَلْأَرْضِ قَدْ يَعْلَمُ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ وَيَوْمَ
يُرْجَعُونَ إِلَيْهِ فَيَنْبَئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا وَأَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ**

آگاه باش! آنچه در آسمان‌ها و زمین است مخصوص خداست. بی‌شک آنچه را شما بر آن هستید (از افکار و نیّات) می‌داند و روزی را که به سوی او بازگردانده می‌شوند، (می‌داند) پس آنان را به آنچه عمل کرده‌اند آگاه می‌کند و خداوند به همه چیز آگاه است.

پیام‌ها:

- ۱- خداوند مالک تمام چیزها و آگاه به همه‌ی فکرها و نیّت‌هast، بنابراین گناه و نفاق و مخالفت از امر او چرا؟ «فَلِيَحْذِرُ الَّذِينَ يَخْافُونَ... قَدْ يَعْلَمُ... فَيَنْبَئُهُمْ»
- ۲- ایمان به علم خداوند بر افکار و اعمال انسان، وسیله‌ی بازدارنده از بدی‌هast. «يَعْلَمُ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ... فَيَنْبَئُهُمْ»

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»

